

## نهادهای همیاری را در محلات و شهرها سازمان دهیم!

سخنی با فعالین کمونیست و جوانان پیشرو!

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

## جمهوری اسلامی حکومت قاتلین و شکنجه گران حقیقی!

صفحه ۶

آذر ماجدی

## فاجعه پناهندگی، شرم جهان امروز

کره خاکی متعلق به همه است

صفحه ۷

سعید آرمان

## پناهنده نماد بی پناهی انسان

صفحه ۱۰

جاوید حکیمی

## کرونا در زندانهای ایران

زندانیان باید فوراً و بدون تعلل آزاد شوند!

متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

## بحران کرونا و عملکرد سرمایه داری

سوسیالیسم تنها پاسخ ممکن و عملی است!

صفحه ۱۲

سیاوش دانشور

تراکتهای حزب در باره

فاجعه کرونا در ایران

اطلاعیه های نشست پایانی شورای همکاری

نیروهای چپ و کمونیست و حداقل دستمزدها

۵۳۴

# هکتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۳ اسفند ۱۳۹۸ - ۱۳ مارس ۲۰۲۰

### فراخوان به طبقه کارگر،

### بیدرنگ کار را متوقف کنیم!

امروز در ایران مسئله کرونا دیگر فاجعه نیست، "فاجعه" توصیف مناسبی برای وضعیت ایجاد شده لحظه حاضر نیست، ما داریم به سمت یک تراژدی تمام عیار میرویم. بعنوان یک طبقه مسئول اجتماعی، بعنوان طبقه‌ای صاحب جامعه، بعنوان طبقه‌ای که افق ساختن یک آینده آزاد و برابر و مرفه را ترسیم میکند، در وضعیت ویژه کنونی ما موظفیم دست به اقدامات ویژه بزنیم. این فراخوانی شعاری و مثبتی بر عدم درک شرایط واقعی طبقه کارگر نیست، برعکس، فراخوانی برای نجات جامعه و نقش کلیدی طبقه کارگر در این پروسه است.

ما میگوئیم: بیدرنگ کار را متوقف کنیم! این فراخوان را دو هفته پیش طرح کردیم. اگر دو هفته پیش هنوز میشد با درجه‌ای اغماض به این سیاست برخورد کرد، امروز دیگر برسر دو راهی قرار داریم. کدام دو راهی؟ باید از خود بپرسیم که آیا طبقه کارگر میخواهد با ادامه کار و حضور در کارخانه و مراکز کار دست به یک خودکشی عمومی، دست به یک انتخار جمعی بزند؟ یا نه، سیاست ما در این وضعیت ویژه اینست که زنجیره ابتلا به ویروس و قتل دستجمعی کارگران و خانواده‌هایمان را بشکنیم و جامعه را روی ریل دیگری ببریم؟

صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## فراخوان به طبقه کارگر،

## بیدرنگ کار را متوقف کنیم...

وضعیت را همه میدانیم؛ کارنامه تانکونی دولت در مورد مشخص کرونا تماماً سیاه است. از کور کردن اطلاعات در مورد تهدید جان شهروندان تا پنهانکاری جنایتکارانه، از احتکار نیازهای اولیه تا روانه کردن آنها به بازار سیاه، از دادن خدمات ویژه پزشکی به دولتی‌ها و بورژواها تا برخورد شدت تحقیرآمیز و برده وار با کارگران، از بی توجهی به میلیون‌ها حاشیه نشین و کودک کار و زباله‌گرد و بی مسکن تا تهدید و تعقیب شهروندان مسئول بدلیل انتشار اطلاعات در باره واقعیات و آمارهای مرگ و میر، از دفن توهین آمیز و غیر بهداشتی قربانیان تا بی‌توجهی کامل به پرسنل شریف و قهرمان کادر درمان که در خط مقدم این جنگ هستند، از بالا کشیدن کمکهای دریافتی سازمانهای جهانی و دولتها تا تبلیغات کثیف مذهبی و نسخه دعا، همه اینها جزو آگاهی عمومی هستند. و اکنون کارگران در محلهای کار دارند مثل برگ خزان می‌ریزند!

می‌پرسید چطور کار را تعطیل کنیم؟ کرایه منزل و نیازهای روزانه ما و خانواده هایمان چه میشود؟ اگر کار نکنیم حقوق نمیدهند، کارفرما اخراجمان میکند، اصلاً کارفرما دنبال چنین فرصتی برای بیکارسازی است و فی‌الحال خیلی از کارگران را بیکار کرده اند. تازه بخشهای محروم تر طبقه کارگر که دستفروشند، بی مسکن‌اند، حاشیه نشین‌اند، در بازیافت زباله کار میکنند، یا کارگران ترانسپورت و خطوط ترابری هستند، چکار کنند؟ نمیشود همه اینها را تعطیل کرد!

این سوالات واقعی‌اند، مربوطند، جزو معضلات سیاست قطع فوری کار هستند و باید یک به یک جواب بگیرند. علیرغم فقدان آمار دقیق و بدلیل عدم شفافیت هنوز کسی از ابعاد واقعی فاجعه اطلاع ندارد. اما تا همینجا تعدادی از کارگران در هفت تپه و شرکت ایران خودرو و تعدادی از شرکتهای بزرگ و کوچک به کرونا مبتلا شدند. شناسایی ۵ الی ۷ کارگر در یکی دو سالن ایران خودرو و این ارزیابی واقعی که این افراد دستکم به صدها همکار منتقل کردند، ایران خودرو ناچار شد شرکت را تعطیل کند. بیش از ۲۰۰۰۰ کارگر به منزلشان رفتند و حقوقشان را هم باید بگیرند. نمیشود چند ده برابر کارگران ماشین سازی‌ها و قطعه سازی‌ها را دستجمعی بیکار یا اخراج کرد. این ابداً عملی نیست، برای کارفرما اقتصادی هم نیست. در هفت تپه چند مورد مبتلا به کرونا داشتیم که یکی از آنها به بیمارستانی در گنجویان دزفول انتقال یافته است. اخبار شرکتهای بزرگ فولاد و پالایشگاههای گاز و نفت و کارگاههای متوسط و کوچک اینست که کارگران مرتب به کرونا مبتلا میشوند. هر ناقل بیماری آنرا به خانواده و اطرافیان منتقل میکند. تازه اداره کار یعنی اداره کارفرما، "هنر" کرده و گفتند که به کارگران مبتلا شده به کرونا، آنهم با تأیید دکتر، مرخصی استعلاجی داده میشود!

ما می‌گوییم جمهوری اسلامی و هر دولت دیگر که قرارداد سازمان جهانی بهداشت را امضا کرده است، در دوره های بحرانی مانند جنگ

و اپیدمی موظف است (روز چهارشنبه ۱۱ مارس، سازمان جهانی بهداشت از اعلام اپیدمی جهانی صحبت کرد)، تاکید میکنم موظف است دست به اقدامات ویژه بزند. این اقدامات از تامین رایگان بهداشت و درمان و نیازهای بهداشتی و دارویی تا پرداخت حقوقها و تامین و تضمین نیازهای پایه همه شهروندان و

اعمال سیاست قرنطینه در اشکال مختلف هستند. اگر فرض ما اینست که بیکار و اخراج میکنند، حقوق نمیدهند و غیره، هنوز در فضای قبل از یک تراژدی تمام عیار زندگی میکنیم و هنوز ابعاد مسئله را درک نکرده ایم. ما در وضعیت بسیار بحرانی و ویژه‌ای قرار داریم و نیازمند اقدامات فوری و ویژه‌ای هستیم. امروز سیاست درست و مسئولانه دعوت به اعتصاب و اجتماع و تظاهرات نیست، اپیدمی کرونا مشابه فاجعه زلزله و سیل و سونامی نیست. سیاست درست و مسئولانه یعنی متوقف کردن کار، در خانه ماندن، شکستن زنجیره تسری بیماری، نجات جان خود و خانواده هایمان، و به این اعتبار نجات یک طبقه اجتماعی از یک بیماری مهلک در یک پرتگاه تاریخی است. امروز بحث برسر امنیت شغلی و کار و افزایش دستمزد و اعتصاب نیست، بحث برسر جان و موجودیت یک طبقه اجتماعی و نجات یک جامعه است.

خود مسئولین حکومتی و آخوند دایناسورها در پنت هاوس‌ها، ویلاها و اماکن حفاظت شده با تیمهای خصوصی پزشکی و امکانات امنیتی و رفاهی لم داده اند و به ریش ما می‌خندند. کارفرمایان و سرمایه داران زالو صفت و جنایتکار حتی در این وضعیت مشغول چاپیدن مردم از طریق احتکار و فروش ده برابر نیازهای بهداشتی مردم هستند. اگر کسی امیدی به اینکه اینها کاری بکنند دارد و یا کسی فکر میکند "بالاخره مسئله طوری حل میشود"، تنها توهم خود را عیان میکند و خود را به دست "تقدیر و سرنوشت" سپرده است. این نمیتواند سیاست طبقه کارگر انقلابی باشد، این همان سیاست آخوندها و سرمایه داران است که برای جان ما کارگران پیشیزی ارزش قائل نیستند. راه ما اینست که به طرق ایمن و با توقف کار و اعمال فشار سیاسی و اقتصادی، نه فقط حقوق حقه‌مان را در این اوضاع بحرانی و پیچیده از حلقوم سرمایه‌داران و دولتشان بیرون بکشیم بلکه با ابتکارات و امکاناتی که جنبش ما و سنتهای مبارزاتی‌اش دارد، با تقویت یک همبستگی عظیم طبقاتی و انسانی، پیشرو نجات جامعه و بخشهای محروم و آسیب پذیرتر طبقه کارگر باشیم.

دانشگاهها تعطیل شدند، مدارس و مراکز آموزشی تعطیل شدند، بسیاری ادارات نیمه وقت کار میکنند، بخش مهمی از زندانیان حال با وثیقه و گروکشی موقتاً آزاد شدند. اینها از جمله اجزای سیاست ما در ایندوره معین بودند. آزادی فوری زندانیان سیاسی و کلیه زندانیان، توقف فوری کار و خطوط تولید، توقف خطوط ترانسپورت، (بجز جوانب فوری و اورژانسی و بخشهایی که ضروری است برای ارائه خدمات بصورت حداقلی و شیفتی کار کنند)، آغاز تحرک گسترده تر طبقه کارگر در قبال این وضعیت جدید و اعلام سیاست طبقه کارگر برای وادار کردن حکومت اسلامی و نهادهای دولتی برای تامین و تضمین سلامتی و بهداشت و نیازهای پایه کلیه شهروندان است. در ادامه این سیاست ضروری و مبرم است که به شبکه‌های اجتماعی و تجارب عملی مان دستکم

## فراخوان به طبقه کارگر،

## بیدرنگ کار را متوقف کنیم...

از دیماه ۹۶ تاکنون متکی شویم. ما میتوانیم با روشهای ایمن، در حداقل تماس و اجتماع، با اتکا به تبادل اطلاعات و طبقه بندی اولویتها و نیازها، دست همدیگر را بگیریم، همبستگی انسانی را تقویت کنیم، بخشهای ضعیف تر و محروم تر طبقه مان را از سقوط به قعر چاه مرگ کرونا نجات دهیم و شبکه‌هایمان را مستحکم کنیم. در یک کلام از کرونا قدرتمندتر بیرون بیائیم و با حکومت سرمایه و دستگاه مفتخور و تجارخانه دین تعیین تکلیف کنیم.

## رفقای کارگر، کارگران مراکز صنعتی!

جمهوری اسلامی به احتمال زیاد ممکن است این سیاست را دنبال کند که با گسترش مرگ و میر و با بهانه کنترل کرونا، ارتش و سپاه و نیروهای ویژه را وارد عمل کند، کنترلی همه جانبه با قوانین ویژه را اعمال کند، بعنوان "ناجی جامعه" ظاهر شود و در پس این ماجرا برای بقای حکومت و تداوم خشن‌تر وضع موجود سلطه اش را تحمیل کند. ما باید مقداری دوراندیش تر و استراتژیک تر به مسئله کرونا و پیامدهای آن بیاندیشیم. این یک بحران عمیق است که به دیگر بحرانهای موجود اضافه شده و وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. تردیدی نباید داشت که یک سیاست درست و منطبق با منافع طبقه کارگر و امر آزادی و برابری اینست که جنبش و طبقه ما از این بحران قویتر بیرون بیاید. تعیین تاکتیک درست و مسئولانه، فراتر رفتن از نیاز روزمره مبارزه جاری و دخالتی دقیق و کارساز در این اوضاع، نیازمند اینست که امروز "همه جا کار را متوقف کنیم". ابتکار عمل سیاسی را بدست بگیریم، اعمال فشار کنیم و عملاً قدرت الئرناتیومان را در قالب ارگانهای انقلابی و شبکه های بهم بافته در محلات در تمام اشکال مقدور و ایمن ایجاد و تقویت کنیم. وقتی مردم میگویند؛ "در ایران دولتی سر کار نیست"، منظورشان اینست که امیدی به اینها نیست، باید خودمان آستین‌ها را بالا بزنیم و فی الحال گروههای محدودتر جوانان، زنان و مردان آزادیخواه با ابتکارات مختلف وارد عمل شدند. طبقه کارگر ایران و رهبران عملی آن و لایه‌های پیشرو در این اوضاع نقش تعیین کننده دارند و مورد حمایت اکثریت عظیم مردم کارکن و زحمتکش قرار خواهند گرفت.

بدون تردید کار را متوقف کنیم. وزارت بهداشت موظف است از همه کارگران تست سلامتی بگیرد، وسائل بهداشتی لازم را در اختیار آنها و خانواده هایشان قرار دهد. کارفرما و دولت موظفند حقوق کارگران را پرداخت و کار را تا حصول اطمینان کامل تعطیل کنند. ما اسیر فقر و درغم نان هستیم اما دستجمعی خودکشی نمیکنیم. بیدرنگ کار را تعطیل کنیم، ممکن است فردا دیر باشد!

سر دبیر.

۱۲ مارس ۲۰۲۰

## مرکز خبری حزب حکمتیست

## کرونا در زندانهای ایران

## زندانیان باید فوراً و بدون تعلل آزاد شوند!

بنا به اخبار دریافتی تعدادی از زندانیان در زندانهای کرج و سنندج به کرونا مبتلا شدند. در زندان مرکزی کرج دستکم ۷ نفر و در بند قرنطینه زندان مرکزی سنندج نیز ۷ نفر از زندانیان به ویروس کرونا مبتلا شدند. زندانیان مبتلا شده به کرونا در کرج را به سالن ۱۵ انتقال دادند و مبتلایان در زندان سنندج را به مکان نامعلومی منتقل کردند. دهها زندانی سیاسی از جمله بخشی از دستگیر شدگان آبانماه در زندان مرکزی کرج زندانی هستند. تعدادی از زندانیان در زندانهای زاهدان و مشهد نیز به کرونا مبتلا شدند. دستکم سه زندانی مبتلا شده به کرونا در زندان زاهدان بدلیل وخامت حالشان به بیمارستانهای ویژه بیماران کرونایی شهر زاهدان انتقال یافتند. همینطور در زندان مشهد بندی را به بیمارانی که علائم ابتلا به کرونا را دارند اختصاص دادند.

جمهوری اسلامی امروز مدعی شد که هفتاد هزار زندانی دیگر را آزاد میکند اما در قبال آزادی زندانیان سیاسی مقاومت میکند. همزمان کادر پزشکی و کسانی که در باره ابعاد تلفات فاجعه کرونا خبررسانی میکنند را دستگیر و بازداشت میکند. کلیه زندانیان سیاسی و دیگر زندانیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم آزادیخواه و خانواده های زندانیان را به اعمال فشار برای آزادی فوری کلیه زندانیان و تامین و تضمین سلامتی آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۰ اسفند ۱۳۹۸ - ۱۰ مارس ۲۰۲۰

## اعلامیه حزب حکمتیست

## به کارگران هفت تپه

## بیدرنگ کار را تعطیل کنیم، ممکن است فردا دیر باشد!

بنا به صحبت‌های کارگران هفت تپه، "امروز یک مورد مثبت کرونا در هفت تپه شناسایی شده است که فرد مذکور به بیمارستان گنجویان دز فول منتقل شده است."

کارگران! بدون تردید کار را متوقف کنید. وزارت بهداشت موظف است از همه کارگران تست سلامتی بگیرد، وسائل بهداشتی لازم را در اختیار آنها و خانواده هایشان قرار دهد. کارفرما و دولت موظفند حقوق کارگران را پرداخت و کار را تا حصول اطمینان کامل تعطیل کنند. آخوندها و کارفرماها با امکانات ویژه پزشکی در ویلاهای لوکس لم دادند و به ریش ما کارگران می خندند. ما اسیر فقر و درغم نان هستیم اما دستجمعی خودکشی نمیکنیم. بیدرنگ کار را تعطیل کنیم، ممکن است فردا دیر باشد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۶ اسفند ۱۳۹۸ - ۶ مارس ۲۰۲۰

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



## نهادهای همیاری را در محلات و شهرها سازمان دهیم!

**سخنی با فعالین کمونست و جوانان پیشرو!**

رحمان حسین زاده

در نظرگرفتن محدودیتها، راهکارهای منطبق با این اوضاع را پیدا میکنیم. نیروی ابتکار و خلاقیت و خنثی کردن موانع را به دست میدهیم. بر این اساس بیابید به طور مشخص در مورد ابتکارات و اقداماتی که در سطح هر محله میشود، انجام داد، همفکری کنیم و مهمتر تصمیم بگیریم.

در اینجا من بر اقدامات در محله متمرکز شده ام. به این دلیل اولاً، محله، مکان زیست و به هم رسیدن دایمی تر بخشهای مختلف جامعه از کارگر، معلم و کاسبکار و مغازه دار و دانشجو و محصل و ... است. به ویژه در این دوره، که قرار است بخش عمده کار تعطیل شود، هم اکنون مدارس و دانشگاهها تعطیلند. در نتیجه در محل زیست مان در محله جمع میشویم، ثانیاً و به ویژه محلات محروم و فقیر نشین و کارگری که بیشتر مورد توجه بحث من است، به دلیل فقر زدگی، بی امکاناتی از هر نظر آسیب پذیرترین بخش جامعه و از جمله در مقابل گسترش سریع ویروس کووید ۱۹ بوده و متأسفانه به مکان اصلی تلفات انسانی تبدیل میشود. لذا یاری رسانی انسانی به این محلات مبرمیت جدی دارد. ثالثاً با تمرکز بر محله، مشخص و کنکرت میتوانیم، بگوییم چه باید کرد؟ از جمله:

۱- در قدم اول فعالین کمونست و آزادیخواه و جوانان پیشرو در محله که همدیگر را میشناسند و به همدیگر اعتماد دارند، لازمست دست بکار شوند و سازماندهی مناسب با این اوضاع را در میان خود ایجاد کنند. برای اینکار احتیاجی به جلسه و تجمع متعدد و آسیب پذیر نیست. بیش از پنج، شش نفر نباید تجمع کرد. بلکه با اتکا به شبکه مدیای اجتماعی موجود، تلفن و اینستاگرام و تلگرام و غیره میشود، همفکری و تبادل نظر و تصمیم گیری مشترک کرد. واحدهای همیاری سه نفره و حداکثر شش نفره از فعالین و جوانان داوطلب و دارای جسم سالم را تحت عنوان مناسب (کمیته، واحد، تیم و ...) لازمست سازمان داد. در قدم بعدی برای تضمین سلامت جسمی همین تیم یا واحدها، ودر جهت ادامه کاریشان وسایل اولیه و ضروری مثل ماسک بهداشتی و استاندارد و دستکش و مواد ضد عفونی و در صورت امکان لباس مناسب مقابله با ویروس کرونا را باید تامین کرد.

۲- واحدهای همیاری آماده بکار و مورد اعتماد مردم را با اسم و رسم واقعی آشنای مردم محله، از طریق تلفن و شبکه های اجتماعی و یادداشت و تراکت کوتاه و هر ابتکار دیگری در سطح محله باید معرفی کرد. شماره تلفن و کانالهای ارتباطی واحدهای همیاری را در اختیار خانواده ها و مردم محله گذاشت. تا بتوانند ارتباط بگیرند، مسائل و مشکلات و کمبودها و نیازهای خود را طرح کنند. متقابلاً واحدها از این طرق و ابتکارات دیگر اطلاع رسانی کنند، توصیه ها و رهنمودها و اقدامات لازم برای پیشگیری را با مردم در میان بگذارند. متوجه هستیم که از کانال رادیو و تلویزیون و دیگر امکانات

**فعالین کمونست، جوانان پیشرو! با درود و روی سختم با شما است!**  
فاجعه ویروس کرونا به همه استاتها و شهرهای ایران گسترش پیدا کرده است. همه ما متوجه مخاطرات جدی و مرگبار آن هستیم. در این رابطه آگاهگری وسیعی شده و به سهم خود در مورد جوانب مختلف پیامدهای نگران کننده آن گفته و نوشته ام. قصدم پرداختن مجدد به مسایل قبلا مطرح شده نیست. اینجا میخواهم بر جنبه مهم دیگر مربوط به این مساله تمرکز کنیم. آن هم مساله سازماندهی و گسترش نهادهای همیاری مردمی در سطح هر محله و شهر برای مقابله با عوارض نگران کننده ویروس کروناست.

میدانیم ویروس جمهوری اسلامی، خود اشاعه دهنده ویروس کرونا در سطح جامعه بوده است. ما با حکومت و دولتی روبرو هستیم، که نمیخواهد و نمیتواند حتی حداقل اقداماتی را که لازمه مقابله و خنثی کردن خطرات ویروس کووید ۱۹ است، انجام دهد. هر چند این حکومت تماماً ضد انسان را باید مداوماً در داخل و در سطح بین المللی تحت فشار قرار دهیم و موظفش کنیم، امکانات لازم بهداشتی، پزشکی و معیشتی و دیگر اقدامات پیشگیرانه را به رایگان در این شرایط سخت برای شهروندان جامعه تامین کند. اما نباید خوشخیال بود و نباید توهم داشت، که جمهوری اسلامی جنایتکار همانطور که اشاره کردم، نمیخواهد و نمیتواند امکانات خنثی کردن صدمات این فاجعه را تامین و تضمین کند. در نتیجه با توجه به این مشاهده واقعی، مثل همیشه مساله نقش همیاری خود مردم برای مقابله با این واقعب نامطلوب موضوعیت پیدا کرده و موارد جدی از این حرکت در شهرها و محلات شروع شده است. در این رابطه روی سختم با فعالین کمونست و جوانان فداکار و پیشرو در محلات و در شهرها است، که آستین بالا بزنند و پیشقدم سازمان دادن و گسترش خلاقانه و مبتکرانه همیاری مردمی و ایجاد نهادهای مربوطه آن در سطح محلات و شهرها شوند.

**سوال اینست، چطور؟** چون این واقعه مثل بلایای طبیعی دیگر مثل سیل و زلزله و ... نیست. این پدیده مساله بیماری و پزشکی و تخصصی و علمی است. مضافاً یک فاکتور مهم مقابله با آن عدم ارتباط انسانها با هم و نداشتن مرآده و تجمع معمول برای سازماندهی و اقدام مشترک است. در نتیجه شرایط برای سازماندهی همیاری مردم به شدت نامناسب است. اینها جزو موانع کار و واقعب نامطلوب این مساله پیچیده است. در این موقعیت سخت و دشوار انتظار اینست فعالین کمونست و نسل جوان مبتکر و خلاق ابتکارات منطبق با این اوضاع پیچیده را به عرصه عمل بکشند و سازمان دهند. همانطور که تاکنون موارد متعددی در تعدادی از شهرها و محلات شروع شده و در حال گسترش است. واقعب اینست در سخت ترین شرایط هم انسانها نمیتوانند نسبت به همونوع و همکار و همسایه محتاج کمک بیتفاوت باشند. در نتیجه اگر توافق داشته باشیم که همیاری مردمی و انسانی علیرغم همه موانع و پیچیدگیهای سر راه، اما ممکن است، تلاش برای سازماندهی آن را در دستور کار میگذاریم و با

اینها مواردی است که من فکر میکنم در دستور کار نهادهای همیاری محله میتواند قرار بگیرد. تردیدی ندارم، فعالین و جوانان دست اندرکار با توانایی و دقت بالا میتوانند دستور کار روشن و دقیقتری را پیگیری کنند. در جریان فعالیت، تجارب غنی را کسب کنند. مهم اینست از محله ای شروع کنیم و الگوی موفق به دست دهیم. چنین تجربه انسانی بسرعت در دیگر محلات تکثیر میشود. واحدهای همیاری محلات مختلف طبعاً با اتکا به تلفن و شبکه های ارتباطی موجود لازمست و میتوانند در ارتباط با هم قرار بگیرند و شبکه به هم متصل واحدهای همیاری شهری را رسمیت دهند. میتوان تصور کرد حرکت همیاری انسانی بزرگ در سطح هر شهر شکل بگیرد و تجاربش به دیگر شهرها منتقل شود.

بحث را به این شکل به پایان میرسانم که در این دوران سخت انسانها به همدیگر احتیاج دارند، شما زنان و مردان کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواه و شما دختران و پسران جوان و فداکار و خلاق آستینها را بالا بزنید، قدم جلو بگذارید، ابتکارات ویژه این دوران را بکار اندازید. نگذاریم به آسانی انسانها و همکاران و همسایه مان در بی امکانی و در خلوت و تنهایی تلف شوند. به وضوح می بینیم روحیه همکاری و انسانی در جامعه و شهر و محله وجود دارد، انسانها و فعالینی میخواهند این روحیه همکاری را کانالیزه و سازمان دهند. مساله اینست فعالین کمونیست و نسل جوان باید متوجه رسالت انسانی خود باشند و میتکر سازماندهی این حرکت شوند.

#### فعالین کمونیست! جوانان آگاه و فداکار!

آرزو داشتم در محله ای از این یا آن شهر برای سازماندهی چنین همیاری انسانی مستقیماً در کنارشان میبودم. فعلاً متأسفانه چنین امکانی از من و امثال من سلب شده است. به امید روزی که این فاصله نماند. اکنون هم ما را در کنار خود بدانید. قدر همیاری و همبستگی انسانی سازماندهی شده را در این دوران بدانیم. این دوره سخت را سپری میکنیم و همگامی و همبستگی انسانی به وجود آمده را به نیروی مبارزه برای سرنگونی و بروس جمهوری اسلامی تبدیل میکنیم.

\*\*\*

## آخوندها و تجار دین را از محیط

### زندگی تان بیرون کنید!

## کلیه زندانیان سیاسی بدون

### تعلل و فوراً آزاد باید گردند!

## نهادهای همیاری را در محلات و شهرها سازمان دهیم!

### سخنی با فعالین کمونیست و جوانان پیشرو ...

مدیایی اطلاع رسانی میشود، اما کم نیستند خانواده های فقیر و بی بضاعتی که فاقد وسایل ارتباط جمعی حداقلی اند، لازمست از این طریق تحت پوشش اطلاع رسانی و مهمتر آموزش رعایت استانداردهای سلامتی قرار بگیرند.

۳- یک وظیفه مهم این واحدها تامین ماسک، دستکش، مواد ضد عفونی و دیگر وسایل ضروری حفاظتی برای خانواده ها، به ویژه خانواده های محروم است. برای تهیه این امکانات، ابتکارات مختلف را باید بکار گرفت. از جمله مراجعه به موسسات دولتی و غیر دولتی ذیربط، به فروشگاهها و صاحبان دارنده و تولید کننده این امکانات، یا با اقدام به جمع آوری کمک مالی در محله و خریدن آنها و روشهای دیگر لازمست اقدام کرد. واحدهای همیاری میتوانند، این وسایل و امکانات را به جلو درب هر خانواده منتقل کنند و بدون ارتباط مستقیم به آنها اطلاع دهند، تا از آن استفاده کنند.

۴- واحدهای همیاری لازمست، لیست خانواده های فقیری که به لحاظ معیشتی همیشه تحت فشار بوده و به ویژه در این دوره با خطر گرسنگی روبرویند، تهیه کنند و معیشت آنها را با اتکا به کمک و تعاون خود مردم محله تامین کنند.

۵- اگر محله سمپاشی و ضد عفونی نشده، این واحدها با مراجعه به دم و دستگاههای مربوطه و با موسسات غیر دولتی خیرخواه برای ضد عفونی کردن عمومی کل محله میتوانند اقدام کنند.

۶- واحدها با بازویند "واحد همیاری محله ... " که جای اتکا و اعتماد مردمند، در سطح محله لازمست کشیک داشته باشند و بچرخند. با راهنمایی و توصیه های خود مانع تجمع و گردهمایی بیمورد شوند و مردم را تشویق کنند در خانه هایشان بمانند. بنا به ضرورت، تردد به محله و امورات دیگر را زیر نظر داشته باشند. به این ترتیب در دسترس باشند و در حل مشکلات مردم و خانواده ها یاری رسان باشند.

۷- واحدهای همیاری به طور جدی لازمست به فکر کمک رسانی به بخشهای آسیب پذیرتر مثل زنان و مردان مسن، انسانهای میتلا به بیماریهای دیگر و معتادان و کودکان کار و بخشای سرپرست باشند و با اتکا به کمک مردم به یاریشان بروند.

۸- تشکیل صندوق کمک مالی در محله از جمله اقدامات قابل فکر و اجرایی کردن است. اما موضوعی حساس و زیر نظر کسان و یا واحدهای تماماً مطمئن و مورد اعتماد مردم لازمست تشکیل شود. خیلی ها در محله دستشان به دهنشان میرسد و میتوانند به چنین صندوقی کمک کنند. در این مورد میشود به افراد صاحب امکان مالی و سرمایه دار در محله و شهر مراجعه کرد و آنها را قانع کرد و در موقعیتی قرار داد که به چنین صندوقی کمک کنند. امکانات مالی جمع شده را برای مقابله با اثرات نگران کننده و بروس کرونا و دیگر نیازمندها در محله هزینه کرد.

## جمهوری اسلامی حکومت قاتلین

### و شکنجه گران حقیقی!

آذر ماجدی



و وزیر کشور شیلی منتشر شد؛ علت انتشار این عکس افشای این واقعیت بود که وزیر کشور از مسئولین بالای سرکوب و شکنجه پس از کودتای پینوشه بوده است. این مساله آه از نهاد بسیاری بلند کرد. حال به رژیم اسلامی نگاه کنید، تمام سرمداران و کار بدستان، وزیر و نماینده مجلس و رئیس جمهور و غیره در دهه شصت از شکنجه گران، بازجویان، تیر

خلاص زن ها و باصطلاح "قاضیان دادگاه انقلاب" بوده اند. از اینرو اعلام این حکم که این حکومت شکنجه گران و قاتلین است، یک استعاره نیست، یک فاکت تاریخی است. حکومتی که برای حفظ قدرت نیاز به سرکوب روزمره و دائمی دارد؛ بدون سرکوب، بدون شکنجه، بدون اعدام قادر نیست حتی یک روز به حیات خود ادامه دهد. و این نیاز است که آدمکشان حقیقی را در راس حکومت قرار داده است. و نیاز به سرکوب روزمره بیانگر بحران ذاتی و لاینحل این نظام در تمام عرصه ها و جنبش های وسیع اعتراضی و آزادیخواهان درون جامعه است.

#### قاتلین و کرونا

جای تعجب نیست که یک بلای طبیعی، اشاعه ویروس کرونا در ایران چنین فاجعه ای می آفریند. در کشورهای دیگر صرفنظر از نوع دموکراسی (ایتالیا) دیکتاتوری (چین) بینابینی (کره جنوبی) علیرغم حاکم بودن قانون سود و استثمار خشن، دولت ها توانسته اند کمابیش با فاجعه مقابله کنند و علیرغم کمبودها و کوتاهی ها جلوی گسترش فاجعه بار ابعاد این ویروس را بگیرند. اما جمهوری اسلامی کاملا عاجز از مقابله با این فاجعه است. نمی خواهد و نمی تواند از رشد فاجعه جلوگیری کند. اینکاره نیست! کارش قتل و جنایت و دزدی است. حتی از درک فاجعه ای که در زندان ها در شرف وقوع است نیز عاجز است. هزاران زندانی را بحال خود در بدترین شرایط بهداشتی و زیستی رها کرده تا کرونا جانشان را بگیرد. و زندان ها را به گورهای دستجمعی تبدیل کند.

انتظار از این قاتلین برای مدیریت فاجعه و ممانعت از گسترش ابعاد تراژدی، انتظاری عبث و توهم بار است. این دزدهای سرگردنه حتی در چنین شرایطی مشغول پول سازی از بدبختی و مصیبت مردم اند و با احتکار ماسک و مواد لازم و فروش آن در بازار سیاه به دست خود دارند ابعاد فاجعه را گسترش می دهند. از اینرو است که مردم باید کنترل امور را بدست بگیرند. با در نظر گرفتن مسائل ایمنی و محافظت از خود باید به همیاری یکدیگر بلند شوند. مردم امیدی به این رژیم ندارند و هم اکنون در شهرهای مختلف این تلاش آغاز شده است. از ضد عفونی کردن معابر تا تهیه و توزیع ماسک خود مبتکر شده اند. این وجه امیدبخش جامعه دزد زده و کرونا زده ایران است.

باید این رژیم را به زیر کشید! این فاجعه دردناک فقط گریبان مردم را نگرفته است. این رژیم کثیف و جنایتکار قادر نخواهد بود از ویروس کرونا جان سالم بدر برد. با هم این قاتلین را به زیر می کشیم؛ تک تک شان را بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه خواهیم کرد؛ و یک دنیای بهتر، یک جامعه آزاد، برابر و مرفه خواهیم ساخت.

۱۲ مارس ۲۰۲۰

\*\*\*

جمهوری اسلامی شاید تنها حکومتی باشد که اکثریت قریب به اتفاق کار بدستانش شکنجه گر، آدمکش و تیر خلاص زن هستند. حکومت سرمایه داری چه از نوع دموکراسی و چه دیکتاتوری مختنق و سرکوبگر است؛ بجز معدودی دولت های دموکراسی در غرب بقیه دولت ها از نوع حکومت های استبدادی اند و لاجرم پیش و بیش از هر چیز بر سرکوب خشن جامعه، اسارت، شکنجه و اعدام معترضین بنا نهاده شده اند. در این میان برخی از سایرین جنایتکارتر و سرکوبگرتراند. جمهوری اسلامی در زمره این آخرین دسته است. حکومتی که با هدف سرکوب انقلاب با اسم انقلاب بقدرت رسید و طی چهل و یک سال حاکمیت پرونده ای خونین ملو از شکنجه و اعدام دارد.

جمهوری اسلامی در شرایطی ویژه به قدرت رسید. شکلگیری یک خیزش عظیم توده ای برای سرنگونی یک حکومت استبدادی در کشوری که دارای موقعیت ویژه سوق الجیشی بود و دولت آن از یاران بی چون و چرای سرمایه داری جهانی و پاسخگو به نیازهای قدرت های بزرگ سرمایه داری، منافع این قدرت ها را بشدت بخطر انداخت. لذا این قدرت ها دست در دست هم به مقابله با این خیزش برخاستند و موفق شدند تا یک الترناتیو تا پوست و استخوان مرتجع و جنایتکار را به جامعه تحمیل کنند. وظیفه این حکومت ساخته و پرداخته دولت های امپریالیستی سرکوب انقلاب بود.

جمهوری اسلامی از روز اول مشغول بکار شد. رشد کمونیم و جنبش کارگری و آزادیخواهانه سرکوب انقلاب تحت نام انقلاب را در دستور این رژیم گذاشت. کشتارهای وحشیانه در زندان ها در دهه شصت، سرکوب خیزش مردم در کردستان حاصل پیاده کردن این برنامه بود. تداوم جنگ با عراق بمدت ۸ سال و بخاک افتادن یک میلیون انسان بخش دیگری از پروژه سرکوب انقلاب بود. اما نظام سرکوب و کشتار هیچگاه از کار نیافتاد؛ زیرا اعتراض و مقاومت هیچگاه خاموش نشد. در تمام طول حاکمیت کثیف این رژیم اسارت، شکنجه و اعدام بخش لایتجزای این حاکمیت بوده است. این رژیم با بحران متولد شد و همواره دچار بحران اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. این رژیم "یک وصله ناجور" بر جامعه بوده و لذا هیچگاه موفق نشد تا جامعه را خاموش و همراه کند.

این ویژگی جامعه و حکومت، وجود یک بحران لاینحل دائمی و وجود جنبش های اعتراضی آزادیخواهانه و چپ؛ جنبش کارگری، جنبش آزادی زن، خلاصی فرهنگی، و مبارزه علیه فقر به جامعه ایران و رژیم اسلامی خصلتی متمایز داده است. و از ویژگیهای این نظام پر شدن صندلی های قدرت توسط شکنجه گران، آدمکشان و تیر خلاص زن ها است.

با آغاز خیزش توده ای در شیلی عکسی در رسانه ها از رئیس جمهور



موارد نادری هستند که پلیس یونان بعنوان مجری حلقه بگوش اروپا سیاست ضد پناهندگی این اتحادیه را عملی میکند. مقابله پلیس یونان با پناهجویان به سببانه‌ترین شیوه بحق یونان را به سپر اروپا تبدیل کرده است و دول اروپایی نیز به این سیاست "دفع بلا" با چراغ سبزهایشان به دولت یونان از یکسو و از سوی دیگر غرولند کردن بخشهایی از اتحادیه اروپا نسبت به این روشهای خشن پلیس یونان می باشد.

امروز ۱۲ مارس رسانه‌ها اعلام نمودند که هیئتی از اتحادیه اروپا از جمله خانم ایلوا یوهانسون کمیسر در امور داخلی اتحادیه اروپا در رابطه با "بحران" پناهندگی به یونان سفر خواهد کرد. او قبل از سفر، به ضرب و شتم پناهجویان توسط پلیس یونان "اعتراض نموده و آنرا غیر قابل قبول" دانسته است. آش اینقدر شور بوده که کمیسر اتحادیه اروپا نیز از برخورد پلیس یونان شکایت دارد. دولت یونان بعد از باز شدن مرزهای ترکیه به روی پناهجویان، اعلام کرده است که "بمدت یکماه دریافت درخواست پناهندگی را متوقف می کند". این تصمیم یونان نیز با قوانین برسمیت شناخته شده اتحادیه اروپا در امور پناهندگی دانسته و سازمان ملل نیز آنرا ناقض قوانین بین المللی خوانده است.

سیاست اتحادیه اروپا نسبت به پناهندگان مزورانه است، در گرماگرم این فاجعه انسانی و در انتهای هفته اول آن، خانم "اوزولا فون دیرلاین" (رئیس کمیسیون اروپا) از سیاستهای سختگیرانه و نحوه عمل فاشیستی پلیس یونان به صراحت حمایت و قدردانی میکند. به گوشه‌ای از گفته‌های او در همین رابطه که دوپچه‌وله پخش کرده است نگاهی بیاندازیم تا به عمق این سیاست ضد انسانی پی ببریم:

"کسانیکه به دنبال آزمایش وحدت اروپا هستند، ناامید خواهند شد. ما خط مان را حفظ خواهیم کرد و وحدت‌مان پیروز خواهد شد. سپاسگزاریم از یونان که در این مقطع بعنوان سپر اروپا عمل میکند".

از این شفاف تر نمیتوان سیاست فاشیستی اتحادیه اروپا و "عزم" این اتحادیه را برای بستن مرزها و مرتفع تر کردن دیوارهای سیم خاردار و به مخاطره انداختن قایقهای حامل پناهندگی، بیان و توجیه کرد. دولت راستگرای یونان در این شیوه برخورد به پناهجویان تنها نیست بلکه سایر احزاب دست راستی اروپا از اتریش و مجارستان و بلغارستان تا سوئد و غیره را همراه خود دارد. نمونه بارز آن مواضع حزب دمکرات مسیحی سوئد می باشد.

در راستای همین سیاست کمیسیون اروپاست که روز پنجشنبه پنجم مارس رهبر حزب دمکرات مسیحی سوئد "جیمی اوکه سون" در یک اقدام شنیع و عمیقاً نژادپرستانه به مرز ترکیه و یونان رفته و در میان پناهجویان به نمایندگی از طرف حزبش و به "نیابت از مردم سوئد" اعلامیه‌ای علیه پناهجویان پخش کرده است. او در این اعلامیه گفته است که سوئد مشکلات خودش را دارد و ما نمیتوانیم پناهجو قبول کنیم و از این لاطانات. این عمل رهبر حزب دمکرات مسیحی با مخالفت سایر احزاب سوئد بجز حزب مدرات روبرو شده

## فاجعه پناهندگی، شرم جهان امروز

کره خاکی متعلق به همه است

سعید آرمان

رجب طیب اردوغان که شاهد شکست پی در پی سیاسی و نظامی در جنگ ادلب و دخالتگری در لیبی است، به یاد باجگیری از اروپا و جلب حمایت سیاسی و نظامی اروپا افتاد و کارت پناهجویان را برای اعمال فشار بر اروپا بکار برد. اردوغان هزینه‌ای برای این اعمال فشار متقبل نمی شود، بلکه پناهجویان بی پناه و مستاصل هستند که باید هزینه این کشمکش و اختلافات دولتهای ارتجاعی و فاشیست منطقه را بپردازند. سالهاست اردوغان تهدید میکند که اگر اروپا از ترکیه در جنگ علیه سوریه حمایت نکند و یا به تعهدات مالی اش عمل نکند و یا کمک بیشتری پرداخت نکنند، مرزها را به روی صدها هزار پناهجوی سوریایی، ایرانی، افغانی و غیره باز خواهد گذاشت. سرانجام او از تلویزیون اعلام کرد: "پناهجویان و مهاجران هر جایی که می باشند آزاد هستند به هر جایی که میخواهند بروند". پلیس ترکیه بعد از این فرمان اردوغان از تعداد زیادی پناهجوی سوریایی و افغانستانی مقیم ترکیه "کیملیک" (شناسنامه موقت ترکیه) آنها را گرفته و با اتوبوسهای مجانی به شهرهای مرزی این کشور با یونان و مجارستان انتقال داده‌اند.

به گفته مقامات ترکیه روزهای ۲۸ و ۲۹ فوریه برابر با (۹ و ۱۰ اسفند) دهها هزار پناهجو روانه مرزهای یونان و مجارستان شدند. در فاصله دو روز دهها هزار زن و مرد و کودک خردسال در مرزهای زمینی و دریا، در آب و هوای نامساعد روانه شدند که در بدو ورود متأسفانه با دیوار محکمی از نیروی نظامی و سیم خاردار روبرو شدند و تمام امیدهایشان به سراب بدل شد. در نتیجه تیراندازی و پرتاب گاز اشک آور تعدادی از پناهجویان بویژه چند کودک جانشان را از دست داده‌اند. صحنه‌های دلخراش تعرض نظامیان یونان به پناهجویان بی پناه قلب هر انسان شرافتمندی را بدر می آورد.

دو هفته از آغاز تراژدی انسانی پناهجویان می گذرد. تراژدی ای که هر لحظه ابعاد آن دهشتناکتر و آزار دهنده‌تر می شود. اینبار مضافاً بر دیوارهای بلند تنیده شده با سیم خاردار، پلیس مرزی مسلح به سلاح کشنده و گاز اشک آور دست به ماشه و بدور از هیچ ملاحظه‌ای به زنان و مردان و کودکان بسیاری که در میانشان هستند حمله می کنند و از زمین و هوا با گاز اشک آور متفرق شان میکنند. صحنه‌های دلخراش از حالت خفگی کودکان و بزرگسالان جزو برخورد نرمال پلیس فاشیست وابسته به دولت بشدت راست گرای یونان به پناهجویان است. صدها پناهجو که عمدتاً مرد بوده‌اند توسط پلیس یونان در یک عمل بغایت شنیع و ضد انسانی لخت و کلیه وسایلشان ضبط شده و آنچه در فیلمها نشان داده می شود تعدادی را لخت و عور بدون تغذیه با فشار روانه خاک ترکیه کرده‌اند. این عمل وحشیانه پلیس یونان و شلیک به قایق پناهجویان و دور کردنشان از ساحل به زور اسلحه در حالیکه هر لحظه ممکن است سرنشینان این قایق ها غرق شوند، جزو

لیبی ذینفع است و یکی از حامیان مهم مالی و تسلیحاتی و لجستیکی داعش بوده و هست.

### چه باید کرد؟

قبل از هر چیز باید به رسمیت بشناسیم که جهان موجود مملو از نابرابری، فقر، کشتار و استثمار و جابجایی در ابعاد میلیونی به دلایل مختلف از جمله تغییرات آب و هوایی و محیط زیستی است که اساسا به دلیل حرص و ولع سیری ناپذیر صاحبان سرمایه و دولتهاشان میباشد. وجود جنگ در افغانستان در طول ۴۰ سال گذشته و حکومت هار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، ویران کردن جامعه عراق، و اخیرا جنگ نیابتی سوریه از جمله وقایع دهشتناک یک دهه اخیر است که هر کدام از دولتهای اروپایی و از جمله ترکیه و روسیه و ایران و قطر و عربستان نقش مخرب و ویرانگری در تداوم آن و کشتار صدها هزار انسان بی دفاع داشته‌اند و جامعه را به قهقرا کشانده‌اند.

دولت ترکیه یکی از این دولتهاست که با تقویت جریانات ارتجاعی و درنده مانند داعش نقش مخرب را ایفا کرده و اکنون از موج پناهندگان سوری و افغانستانی استفاده ابزاری میکند و قصد معامله با غرب را دارد و هرازگاهی پناهجویان بی پناه و مستاصل را با فشار و تحریک و غیره روانه مرزها می‌کند و به کام مرگ و ناامیدی می‌کشد. هرگونه معامله و باجگیری به بهانه پناهجویان از جانب دولت ترکیه باید محکوم شود. پناهجویان باید هوشیار باشند و به معامله‌گری و امیدهای واهی که دولت ترکیه برای آنها تعیین میکند، تمکین نکنند.

دولتهای اروپایی بعنوان بخش مهمی از خالقین وضع موجود و نامنی و بی ثباتی کشورهای خاورمیانه و شاخ آفریقا مانند لیبی و سوریه و عراق و افغانستان برسمیت شناخته شوند. دخالت این کشورها به اضافه آمریکا و روسیه و ایران منجر به نابودی زیرساختهای این جوامع و از هم پاشیدن شیرازه جامعه شده و به مرگ صدها هزار انسان و آواره کردن میلیونها نفر انجامیده که کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگی اذعان میکند بالغ بر ۶۰ میلیون انسان از خانه و کاشانه خود رانده شده‌اند و بعنوان پناهنده از آنها نام می‌برند.

بشریت آگاه و مترقی مسابقه سارکوزی و برلوسکونی و کامرون را برای ویران کردن کشور لیبی فراموش نکرده‌اند و جنگ نیابتی سوریه در دهمین سال خود هنوز بوی باروت و غرش گوشخراش جنگنده‌ها و بمب و موشک از کودکان سوریایی قربانی می‌گیرد. اگر صحنه را به دست دولتهای اروپایی بسپاریم، سالهاست که آخرین میخها را به تابوت پناهندگی و کنوانسیون ژنو کوبیده‌اند و با اقدام اخیرشان قصد دفن آنرا دارند. نباید به این سیاست ارتجاعی دول غربی تمکین کرد. سیاست اعلام شده از جانب رئیس کمیسیون اروپا سیاستی بغایت نژادپرستانه و ضد انسانی است. احزاب و سازمانهای چپ، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مدافع پناهندگی باید در مقابل این توحش عربیان و این سکوت مرگبار و شنیع، سکوت را بشکنند و به دولتها فشار بیاورند که دست از این سیاست بردارند.

## فاجعه پناهدگی، شرم جهان امروز

### کره خاکی متعلق به همه است ...

است. یک وکیل ایرانی به دلیل نشر اکاذیب، علیه رهبر حزب دمکرات مسیحی که به نمایندگی از طرف مردم سوئد ابراز نظر کرده، شکایت نموده است. رهبر حزب راست‌گرای مدرات سوئد اقدام رهبر حزب دمکرات مسیحی سوئد را یک اقدام نمادین خوانده است و تأیید کرده است.

با این وصف جریانات و احزاب دست راستی در اروپا تمام قد و بی پرده در راستای توحش اعمال شده علیه پناهجویان بی پناه متحدهاند ایستاده‌اند و آشکارا نفرت پراکنی میکنند. اختصاص بودجه ۷۰۰ میلیون یورو به یونان برای "پاسداری" از مرزها و ایجاد سد در مقابل پناهجویان، سفر رئیس کمیسیون اروپا به یونان و تأیید این سیاست و حضور عالیترین مرجع یک حزب دست راستی اروپا در خط مقدم سرکوب پناهجویان به این زمختی در نوع خود اگر بینظر نباشد کم نظیر است، همه و همه موید سختی شرایط موجود مرزها علیه پناهندگان است.

در بحران پناهدگی ۲۰۱۵ - ۲۰۱۶ که بالغ بر یک میلیون پناهجوی سوریایی، لیبیایی و بخشا افغانستانی و ایرانی وارد اروپا شدند، موجی از همبستگی انسانی را بوجود آورد که علیرغم فشار دستجات فاشیستی، دولتهای اروپایی بویژه آلمان تعداد زیادی را پذیرفتند. فجاج ناشی از غرق شدن بالغ بر ۵۰۰۰ پناهجو در آبهای لیبی، مدیترانه و دریای اژه و بویژه تراژدی غرق شدن آلان کوردی، کودک خرد سال سوریایی موج عظیمی از احساس همبستگی را در میان مردم جهان بوجود آورد. اما متاسفانه در ایندوره معین به دلایل مختلف از جمله فشار اقتصادی فزاینده در کل جهان و بطور مشخص اروپا و همچنین مهندسی افکار جامعه و نفرت پراکنی نژادپرستانه از جانب احزاب دست راستی و هیئت حاکمه اروپا، کمتر شاهد تعرض به این سیاستهای ضد پناهدگی می‌باشیم.

دانیل گیونتر، نخست وزیر ایالت "شلیسویگ هولشتاین" روز چهارشنبه چهارم ماه مارس ضمن ابراز تأسف از وضعیت پناهجویان در یونان اعلام کرده است که ۳۰ کودک پناهجو را از یکی از جزایر یونان به این ایالت پذیرفته است. اما این رقم در مقابل هزاران کودک مستقر در جزایر یونان همراه با خانواده‌هایشان بسیار ناچیز است، اما در عین حال نقطه امیدی است برای فشار بیشتر به اروپا و عدم تمکین به سیاست و رویه غالب این اتحادیه که از سال ۲۰۱۷ معامله با اردوغان را در پیش گرفتند و در قبال مبلغی به دولت ترکیه میلیونها پناهجو را در انتظار گذاشتند و هرگز احساس آرامش و استقرار زندگی را در خاک ترکیه نکرده و نخواهند کرد، زیرا یک دولت فاشیست قوم پرست اسلامی در قدرت است که خود در تداوم جنگ در سوریه و



## فاجعه پناهندگی، شرم جهان امروز

کره خاکی متعلق به همه است ...

اوضاع پناهندگی امروز و صحنه‌های دلخراشی که از تلویزیونهای همین کشورهای اروپایی پخش میشوند، شرم جامعه انسانی و عجز و ناتوانی برای تغییر آن را به نمایش میگذارد. نباید در این شرم سهیم شد. این کره خاکی به کل بشریت تعلق دارد و باید مرزها را به روی فراریان جنگ و ناامنی، باز نگهداشت. ما در مقابل کودکان جنگ زده و مردم بی پناه و فراریان رژیمهای جنایتکار و استثمارگر، مسئول هستیم. نجات ده‌ها هزار انسان که بدون هیچ سرپناهی در مابین دو سنگ آسیاب مرزهای ترکیه و یونان و همچنین ترکیه و مجارستان گیر افتاده‌اند، باید در اولویت قرار بگیرند. باتوجه به ویروس کشنده کرونا و فقدان هر گونه امکانات بهداشتی خطر جانی هزاران پناهجو را تهدید میکند. این انسانهای بی پناه را نباید فراموش کرد. مرزهای اروپا را باید به سویشان باز کرد. اینان بانی گسترش نژادپرستی در این جوامع نیستند بلکه فقر و بیکاری که سرمایه‌داری به جامعه تحمیل کرده است بانی نفرت پراکنی قومی و نژادی است.

۱۲ مارس ۲۰۲۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم

توده ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و

قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## دستمزد ها بر اساس ملزومات رفاه در زندگی کارگری باید

تعیین شود و نه منفعت و امکانات سرمایه داران

«شورایعالی کار» بعنوان یک نهاد ضد کارگری هر سال کاهش قدرت خرید کارگران نسبت به حتی سال قبل را به نام افزایش دستمزد از کلاه شعبده بازی بیرون میآورد. در تمام طول حیات جمهوری سرمایه داری اسلامی مداوما استاندارد زندگی کارگری روبه کاهش و چند مرتبه زیر خط فقر و فلاکت بوده است. برای زندگی کارگری فرقی ندارد که تحت چه ملزومات و دلایلی این سقوط به خط فلاکت صورت میگیرد. کارگران این تحمیل اراده سرمایه داران را که برای خلق نیروی کار ارزان صورت میگیرد تحمل نمی کنند. این حق کارگران است که از زندگی مرفه با استاندارد انسانی برخوردار باشند. کسانی که خود تولید کننده بخش عظیم سرمایه های یک کشورند دلیلی ندارد که در نهایت فقر و فاقد هرگونه استاندارد رفاهی زندگی کنند. خود و خانواده‌هایشان از اولیه ترین مایحتاج یک زندگی مرفه، سرزنده و بانشاط محروم باشند. در حالیکه زندگی افسانه ای سرمایه داران و وابستگان‌شان که حاصل دسترنج کارگران است، سرسام آور است. این ستم و استثمار آشکارا نشان میدهد که در تعیین حداقل های مزد و همچنین افزایش اسمی حقوق، اراده کارگری حضور ندارد و نداشته است. معنای سرکوب هرگونه تشکل کارگری و نماینده مستقیم منفعت کارگری در همین نکته نهفته است. اگر اراده و حضور کارگران تحقق یابد چگونه میتوانند این تصمیمات شرم آور را بنام کارگر و برای زندگانی کارگری اتخاذ کنند؟ خیزش های انقلابی از اینرو بمیدان میآیند تا بساط چنین رابطه ظالمانه ای را براندازند. حاکمیت بر سرنوشت خویش از اینرو ضرورت می یابد. طبقه کارگر ایران در مبارزات انقلابی خود، بالاخص در دوسال گذشته بر آنست تا بساط این سیستم را برکنند و از اینرو اداره شورایی و شعار نان کار آزادی را بمیان آورده است. تنها دستمزدی متناسب با یک زندگی مرفه و بدون دغدغه پاسخ کارگران به هرگونه ترفندهای حکومتی است. چنین سطحی از زندگی منوط به آنست که کارگران و اراده کارگری منشا تصمیم در باره دستمزد و استاندارد شرایط زندگی کارگری باشد. در پروسه مبارزه برای این هدف باید اتحاد و تشکل های واقعی و مبارز کارگری را ایجاد یا تقویت نمود. باید به شوراها و دیگر تشکلهای مستقل کارگری متکی شویم. تنها ضامن پیروزی بر سرمایه داران و تحقق ملزومات زندگی مرفه برای همگان در گرو رشد و گسترش این وحدت و تشکیلات است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیسست همراه با طبقه کارگر تا تحقق رفاه و حاکمیت کارگران بر سرنوشت خویش و سرنگونی حاکمیت سرمایه علیه جمهوری اسلامی و قوانین ضد کارگری اش مبارزه میکند.

ما میگوییم: دستمزد ها باید بر اساس ملزومات رفاه در زندگی کارگری تعیین شود و صلاحیت تشخیص این تناسب تنها و تنها به عهده تشکل های مبارز و مستقل و سراسری کارگران است نه تشکلهای دست ساز حاکمیت سرمایه دار یا تشکل های زرد. ترفندهایی را که همه ساله حکومت سرمایه داری و کارگر ستیز برای مخدوش کردن این مطالبه به حق کارگران بکار می برد، باید افشا کرد و در برابر آن ایستاد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

اسفند ۱۳۹۸ مارس ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیسست، حزب کمونیسست ایران، حزب کمونیسست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## پناهنده نماد بی پناهی انسان

جاوید حکیمی



به رغم این همه شقاوت علیه انسان، آمران و عاملان فاجعه اما اعمال جنایت بار خود را عین عدالت می دانند. این بدان جهت است که بورژوازی پیشتر و در شرایط متعارف، فرهنگ کثیف و ضد بشری خود را به مثابه اصولی طبیعی و بدیهی به حافظه جمعی و ناخودآگاه توده ها تزریق کرده است. اگر اردوغان و ایضا دیگر جنایتکاران، هر زمان اراده

کنند می توانند از عقب مانده ترین اقشار توده ها، لشکری آدمخوار و ددمنش بسازند و آنها را علیه پناهندگان بشورانند، همانا بدلیل پذیرش اصول "بدیهی" و "طبیعی" بورژوایی تحت عنوان قوانین پناهندگی از سوی آحاد جامعه است.

گردش آزاد است اما نه برای نیروی کار بلکه برای سرمایه. این همان تفکر بنیادینی است که قوانین پناهندگی بر روی آن بنا شده است. در حالی که سرمایه و سرمایه دار مجاز است مرزهای شرق و عالم را بی هیچ رادع و مانعی، سریع تر و سهل تر از ویروس کرونا درنوردد، نیروی کار می بایست برای عبور از مرزها و اقامت در سرزمین "بیگانه"، ابتدا و پیش از هر چیز، داغ انواع پناهندگی بر پیشانی را بپذیرد. آیا این تداعی کننده دوران برده داری نیست؟! کارگر همانا چون فاقد سرمایه است و جز قوه کار چیزی برای فروش ندارد پس باید پناهنده شود و صلاحیت و صداقت خود را برای مفتخر شدن به شهروند درجه دو جامعه ثابت کند. چنانکه می دانیم این کار مستلزم ساعت ها مصاحبه و عبور از هفت خوان موانع قانونی و آزمون های اخلاقی است. در حالی که سرمایه دار دزد و اختلاسگر بی هیچ بازخواستی با کیف پول حاوی یکسال حقوق کارگر و کارمند وارد کانادا می شود کارگر باید هزار تست راستی آزمایی بدهد تا با دقت ریاضی میزان خلوص و صداقتش سنجیده شود.

جامعه ای که این قوانین پناهندگی را همچون اصل مالکیت خصوصی بپذیرد مستعد ارتکاب شنیع ترین اعمال ضد انسانی در حد نسل کشی خواهد بود. تراژدی هولناکی که اردوغان این فرزند خلف هیتلر خلق کرده است و دل هر انسان شریفی را به درد می آورد گواه صدق ادعای ماست. پناهنده سیاسی- اجتماعی، واقعی- غیر واقعی، راستگو- دروغگو؛ همه اینها خزعلات محض برای عوامفریبی و مهیا ساختن اذهان عمومی جهت قتل عام انسان است؛ هر زمان که بخواهند، هر زمان که نیاز باشد.

آخر دروغ کدام پناهنده ای تاکنون کمر اقتصاد مملکتی را شکسته که این همه دستگاه عریض و طویل با ساز و کارهای پیچیده برای قبول یا رد درخواست اقامت یک کارگر ساده و جویای کار به راه انداخته اند! چرا کارگر نه به خاطر مبارزه سیاسی که صرفا جهت ساختن یک زندگی بهتر نباید حق سفر و اقامت در شهر و کشور دلخواه خویش را داشته باشد؟! چرا تنها در صورتی با درخواست اقامت او موافقت می شود که ناچار از سوار کردن هزار و یک رقم دوز و کلک و دروغ و دغل بازی شود؟! تازه خرید و فروش همین دوز و کلک ها تحت عنوان کیس پناهندگی شغل شریف جماعتی خرده بورژوای طماع و حریص شده که روز روشن و جلوی چشم اربابان سرمایه سخت سرگرم

صفحه ۱۱

وقتی آنجلا مرکل متعاقب هجوم میلیونی آوارگان سوری، به طعنه و تمسخر گفت مردم سوریه، عراق و افغانستان به ما پناه آوردند در حالی که مکه به آنها نزدیکتر بود، بسیاری این گفته صدراعظم آلمان را نشانه میهمان نوازی و آزادی او تلقی کردند. شاید علت قرار گرفتن نام وی در ردیف مدافعین حقوق زنان و نیز نامه نگاری برخی از "رفقا" با او برای کمک به آزادی کارگران دستگیر شده، همین گزافه گویی هایش باشد. اینجا عجلتا از توضیح آن شرایطی که باعث می شود میلیون ها انسان جنگ زده و گرفتار فقر، خانه و کاشانه خود را رها کنند، ریسک کشته شدن در مسیر را به جان بخرند و با هزار مصیبت و مکافات به ساحل امن برسند می گذریم. از بی شمار کسانی هم که هست و نیستشان توسط قاچاقچیان انسان به تاراج می رود، در کامیون های حمل بار منجمد می شوند، به کام دریا فرو می روند و در هر صورت پایشان هرگز به سرزمین آرزوها نمی رسد سخنی به میان نمی آوریم.

تاکید ما اینجا روی ادعای انسان دوستانه صدراعظم گرامی است که فرموده اند "ما به آنها پناه دادیم." این کذب است. مدافعین بازار آزاد به هیچ انسانی پناه نمی دهند آنچنانکه هیچ تاجری متاعش را مفت و حتی نسبه نمی فروشد مگر تحت شرایطی. اصل این است که پذیرش پناهندگی نه فقط تحت ضوابط و قوانینی انجام می گیرد که تضاد ماهوی با قوانین انباشت سرمایه ندارد بلکه شل و سفت کردن سیاستهای آن در تحلیل نهایی تابعی از نوسانات گردش سرمایه است. راست گفته اند عمق آزادی و انسان دوستی سرمایه داران به ضخامت کیف پولشان است. همین نکته یعنی خط بطلان بر تمام ادعاهای آزادیخواهانه دول متمدن و دمکراتیک. همین نکته یعنی قرار گرفتن نام آنجلا مرکل دمکرات در کنار اردوغان مستبد.

آنچه امروز بر پناهندگان در مرز ترکیه و یونان میگذرد به معنای کامل کلمه فاجعه انسانی است. باز کردن مرزها توسط دولت ترکیه با هدف اخراج پناهجویان و هجوم پلیس یونان برای ممانعت از ورودشان، جهنمی است که پناهندگانی آواره از زن و مرد و کودک خردسال به آن گرفتار آمده اند. همانها که روزی برای غرق شدن تنها یک کودک سوری اشک تمساح میریختند اکنون قایق سرگردان حامل خانواده ها را به گلوله می بندند و ککشان هم نمیگذرد. اگر در نظر بگیریم ویروس مرگبار کرونا اکنون به اعیان ترین مناطق مسکونی مدرن ترین شهرهای دنیا رخنه کرده است شاید آن وقت به عمق مصیبتی که بر سر انسان های سرگردان درحوالی مرزهای ترکیه و یونان با کمترین امکانات بهداشتی و درمانی آوار شده است بهتر پی ببریم.

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



## اطلاعیه برگزاری نشست نمایندگان شش نیروی چپ و کمونیست

بدینوسیله به اطلاع می‌رسد که در تاریخ اول مارس ۲۰۲۰ نشست مشترکی با حضور هیئت‌های نمایندگی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، "حزب کمونیست ایران"، "حزب کمونیست کارگری حکمیت"، "سازمان راه کارگر"، "سازمان فدائیان اقلیت" و "هسته اقلیت" در شهر کلن آلمان برگزار شد.

این جلسه ضمن ارزیابی و برشمردن نقاط قوت و ضعف همکاری‌های مشترک این شش جریان از کنفرانس استکهلم تاکنون، روی ضرورت ارتقا و گسترش فعالیت‌های این جمع تاکید نمود.

در بخش اول این جلسه نمایندگان احزاب و سازمان‌ها با ارزیابی از دستاوردها و کاستی‌های این همکاری در پاسخ به نیازها و ضرورت‌های مبارزاتی دوره کنونی که در آن جامعه ایران در آستانه تحولاتی سرنوشت‌ساز قرار دارد، تلاش کردند به یک ارزیابی مشترک برسند که بر اساس آن بتوانند همکاری نیروهای چپ و کمونیست را در ایفای وظیفه و نقش‌شان در اوضاع خطیر کنونی ارتقا دهند.

ارزیابی‌ها و مباحثات و راهکارهای مختلف ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان این نشست از طریق سمینارهای تلویزیونی و نشست‌های حضوری و یا نوشتاری به منظور مشارکت و همکاری‌های وسیع‌تر بین همه نیروهای چپ و کمونیست به بحث گذاشته خواهد شد و این جمع از این رهگذر تلاش خواهد کرد برغم برخی اختلاف‌نظرها، گفت‌وگو و هم‌نگری بیشتری در بین همه نیروها و انسان‌های چپ و کمونیستی که به سرنوشت انقلابی جمهوری اسلامی و جایگزینی آلترناتیوی سوسیالیستی برای فردای جامعه ایران باور دارند، فراهم سازد.

در بخش دوم این نشست تصمیم گرفته شد که از این به بعد این جمع تحت عنوان "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست" با امضاء نیروها، همکاری و فعالیت مشترک خود را پیش برد و کوشش خواهد کرد بازتاب این همکاری‌های جمعی، بیشتر از گذشته در قالب موضع‌گیری‌های مشترک، همکاری‌های عملی در هر محلی که نیروهای این شورا حضور دارند و بهره‌گیری از سایر ابزارهای میدیایی که بتوان از طریق آنها صدای حق‌طلبی و مبارزاتی کارگران، زنان، جوانان، معلمان و کلیه محرومان و تهیدستان جامعه را رساتر سازد.

"شورای همکاری" اگرچه با امضاء نیروهای معینی شناخته می‌شود، اما این جمعی بسته نیست و در جریان همگامی و همکاری بین نیروهای چپ و کمونیست می‌تواند تقویت شود.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۱۱ مارس ۲۰۲۰

ShorayHamkari@gmail.com

## پناهنده نماد بی پناهی انسان ...

کار خویش اند. راست این است که دست اندرکاران بورژوا مسلک امور مهاجرت و پناهندگی چندان بهایی به صدق و کذب بودن کیسهای پناهندگی نمیدهند. مساله برای آنها کمیت نیروی کار ارزان است. هر زمان به قوه کار ارزان نیاز داشته باشند درصد قبولی‌ها از صد در صد هم می‌گذرد و چون بازار کار اشباع گردد امر به سازماندهی ارادل و اوباش برای اخراج توام با خشونت مهاجرین می‌کنند. پیش‌زمینه نیز قبلاً مهیا شده است؛ آنها که دروغ گفته اند حق ماندن ندارند در غیر این صورت خوششان مباح است.

جایی که قوانین بازار بر روابط انسانی حاکم باشد بی‌تردید کارگر به مثابه کسی که چیزی جز نیروی کار و به یک معنا وجود انسانی خودش را برای عرضه ندارد بی‌پناه‌ترین و دردمندترین انسان خواهد بود. اما صدها بار از کارگر بومی تنهاتر و رنجورتر، آن انسان پناهنده ای است که هزاران فرسنگ دورتر از زادگاه و هم‌زبانان خود، از سر ناگزیری پست‌ترین مشاغل اجتماع را با کمترین دستمزد تقبل کرده است. پناهنده ای که هر آینه با بروز کمترین نوسان در دخل و خرج اقتصاد میزبان، بیم آن می‌رود تمام خشم جامعه را بر سر او آوار کنند.

نیروهای چپ و کمونیست، انسان‌های آزادیخواه و برابری طلب هرگز نباید زمین‌بازیشان همانی باشد که بورژوازی برایشان تعیین و تعریف می‌کند. آرمان ما فی‌الحال قابل اجرا باشد یا نه همواره نقطه‌عزیمت ما خواهد بود. از نظر ما تمام انسان‌ها حق ورود و خروج به هر نقطه‌ای از کره‌خاکی از جمله زادگاه اصلی خود را دارند. ما هیچ مرزی را به رسمیت نمی‌شناسیم و لاجرم قوانین پناهندگی سهل است برای قانون اساسی سرمایه‌داری یعنی تقدس مالکیت خصوصی نیز پیشیزی ارزش‌قائل نیستیم. ما هیچگاه تخطی از قوانین ضد کارگر و ضد انسانی موجود را جرم تلقی نکرده و کسی را به خاطر ارتکاب به آن مستوجب مجازات نمی‌دانیم.

چپ اگر می‌خواهد از کشتار انسان‌ها در ابعاد وسیع جلوگیری کند باید ادبیات خود را به ادبیات برتر جامعه تبدیل نماید. این امر نه فقط فی‌الحال برای مصون داشتن جامعه از جنایت علیه بشریت به ویژه پناهندگان به مثابه بی‌پناه‌ترین طیف جامعه ضروری است بلکه برای پیروزی نهایی کمونیسم هم بسیار حائز اهمیت است.\*

**جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه‌ای از عقل حاکم بر جامعه است.**



## بحران کرونا و عملکرد سرمایه داری سوسیالیسم تنها پاسخ ممکن و عملی است!

سیاوش دانشپور

ضروری ندیده است، سهل است از آن بهره برداری سیاسی و اقتصادی میکند. بورژوازی آموکش تحت بحران کنونی تصمیم گرفته است از این فرصت بهترین استفاده را بکند، تصمیم گرفته است از آن بنفع تخفیف بیکاری انبوه استفاده کند، تصمیم گرفته است "بی مصرف ها" را از منظر منطق بازار و سود سرمایه دور بباندازد و در یک بازه زمانی تعداد زیادی را به کشتن دهد یا آگاهانه بکشد. بالاخره بازنشسته ها و سنین بالای چهل سال کاتاگوری قربانیان گسترده تر هستند، اینها خرج دارند، صندوقهای بازنشستگی و بیماری و بیمه بعد از سالها گرفتن مالیات و خالی کردن جیب آنها با هزار شیوه؛ ناچارند هنوز هزینه ای متحمل شوند. تلف شدن اینها خیلی هم اقتصادی محسوب میشود. "خط خوردن" آنها به نیروی جوانتر در بازار کار فرصت میدهد.

هر دولت بورژوائی و اصولاً هر دولت مستقر، که بنا به تعریف فرمال خود را در قبال سلامت و امنیت شهروندان مسئول میداند، در ایندوره ها باید تمام امکانات فنی، علمی، اقتصادی و مادی و معنوی را در خدمت نجات جامعه و عبور از بحران بسیج کند. اگر این اقدام صورت نمیگیرد و اقدامات صرفاً به اعمال محدودیتهایی در این و آن کشور در قلمرو ترابری و واردات و سفر و اجتماع محدود میشود، معنی ای جز این ندارد که بورژوازی امکانات را از جامعه آگاهانه دریغ میکند، به فکر رقابتهای اقتصادی و پیامدهای سیاسی و اقتصادی و معادلات قدرت بعد از این بحران است، به فکر کاهش و تعدیل نیروی کار و صرفه جویی در نگهداری شهروندان با سن بالاتر و دورانداختن آنهاست. بورژوازی امروز در متن بحران کرونا رسماً و قانوناً علیه شهروندان جهان جنایت مرتکب میشود و ما داریم این صحنه های هولاکاست را لحظه به لحظه با هیجان و ترس و ارباب رسانه ای دنبال میکنیم. چهره جهان امروز در متن بحران کرونا به استیصال و نومیدی و رقابت شدید و انزوا و نجات فردی چرخیده است. بورژوازی اگرچه بیوقفه در تبلیغات چندش آورش علیه سوسیالیسم و آرمان کارگری رجز میخواند و لیچار میگوید، اما همواره در متن بحران هزینه هایش را "سوسیالیستی" میکند. در بحران ۲۰۰۸-۲۰۰۷ همزمان با ارائه بسته های نجات نجومی و ریکواری به صاحبان دزد و انگل بانکها و سرمایه مالی، آنها را روی مالیات دهندگان و کارگران سرشکن میکرد. اینجا "سوسیالیزه کردن دزدیهای بورژوازی" ایرادی نداشت و ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن کمربندها حرف اول و آخر بود. در بحران کرونا نیز بی امکاناتی نظام پزشکی بخاطر اولویت و منفعت بازار و کالائی شدن آنها با تلفات گسترده انسانی "سوسیالیستی" میکند. سال ۱۹۹۲ رونالد ریگان در سفری به کانادا، در قبال سیستم همگانی بهداشت با اعتراض گفت؛ این چه وضعی است، مگر کانادا سوسیالیستی و کمونیستی است که سیستم خدمات بهداشت همگانی دارد؟ آنها بردارید، بهداشت و درمان باید خصوصی شود! برای بورژوازی هر نوع برخورداری شهروندان از یک حقوق پایه "سوسیالیستی" قلمداد شده چون آنها در تناقض با رقابت فرد بورژوا در بازار می بیند، چون فکر میکند دولت

بحران ویروس کرونا جهان را در پانیک و آینده موهومی فرو برده است. بیانیید برای دقایقی به سخنان سران جهان دمکرات و متمدن بورژوازی نظری بیافکنیم. از ترامپ و مرکل و جانسون تا پاپ و خامنه ای و دم و دستگاه انگلهای بورژوازی و سخنورانشان چه می شنوید؟ از سیستم بهداشت و درمان در قرن بیست و یکم و حتی توصیه های سازمان بهداشت جهانی چه عایدتان میشود؟ کمبود امکانات، ناتوانی از مقابله با یک ویروس قدرتهایی که تنها تسلیحات شان میتواند بارها کره خاکی را با خاک یکسان کند، و نهایتاً بروز اطلاعات قطره چکانی برای آماده کردن میلیاردها مردم جهان برای تلفات انسانی عظیم! من طرفدار تئوری توطئه و بحث بیو تروریسم در قبال معضل کرونا نیستم، برعکس، در باره امکانات و واقعیات و اظهارات متخصصین و سران بورژوازی و "تیمهای مقابله با بحران" سخن میگویم. همه میگویند که امکانات نداریم. میگویند زیرساخت های پزشکی و امکانات فنی و بهداشتی کنونی امکان مقابله با پاندمی کرونا را ندارد. اگر از ارجحیت مذهبی پاپ و خامنه ای و نقاره کشان دستگاه مذهب، که خود در هزارتوی آمن با بهترین امکانات لم داده اند و مردم مبتلا را به شکرگزاری و "ازمایش خدا" و مناجات و مزخرفاتی از این دست دعوت میکنند بگذریم، سران دنیای بورژوازی برای ما همان موعظه های خسته کننده و نخ نما را با عبارات و ادبیاتی دیگر تکرار میکنند. میگویند پاندمی و اپیدمی جهانی است و کاری از دست ما برنمی آید. میگویند امکانات نداریم و سیستم پزشکی و درمان و تولید واکسن هزینه بر و زمان بر است. میگویند باید زمان بخریم و شتاب واگیری این بیماری عالم گیر را کم کنیم تا تعداد بیشتری و در هر کشور دهها میلیون مبتلا شوند و مصون شویم. میگویند ارتش و امکانات ویژه را بمیدان میاوریم تا بتوانیم با قرنطینه نقطه به نقطه و اقدامات ویژه امکانات موجود را بر تعداد زیاد مبتلایان انطباق دهیم. از مردم تلویحاً طلبکار میشوند که شرکتهای و بنگاههای اقتصادی متضرر شدند، بحران کرونا به بحران اقتصادی بدل شده، قیمت نفت بشدت کاهش پیدا کرده، بازارهای سهام با سقوط روبرو شدند و دوشنبه سیاه تکرار شده است!

### پلاتفرم وحشت و کشتار

سیاست ترساندن و انزای عمومی و استیصال همگانی همراه با اخراجهای وسیع و خاموش کارگران بدلیل بسته شدن بنگاههای متفرقه تولیدی و خدماتی پلاتفرم بورژوازی است. خیلی چیزهای دیگر هم نمیگویند، مثلاً نمیگویند چرا سیستم بهداشت و درمان را به این روز انداخته اند؟ مسئول این وضعیت کیست؟ نمیگویند یک دلیل پانیک و ناتوانی طبقه حاکم سپردن حق سلامتی و بهداشت و زندگی انسانها به دست بیرحم بازار آزاد است. نمیگویند که این دولتهای دمکرات و متمدن و طرفدار حقوق بشر، بنا به اولویت سود سرمایه و تابع کردن حق سلامتی با امکانات اقتصادی فرد، اصولاً برای چنین دوره های بحرانی برنامه ای ندارد، آمادگی نداشته است، مهم تلقی نکرده و

## بحران کرونا و عملکرد سرمایه داری

### سوسیالیسم تنها پاسخ ممکن و عملی است ...

بورژوازی را متعهد به ارائه خدماتی هزینه بر میکند. از این فعلا بگذریم که همین حقوق توسط مبارزه نسلهای متمادی جنبش کارگری به بورژوازی تحمیل شده و هزینه آن نیز نه از ارث پدر بورژوازی بلکه از گوشه ناچیزی از ثروت تولید شده توسط خود طبقه کارگر تامین شده است. آزرژی بورژوازی به سوسیالیسم البته در قبال جامعه است و گر نه سرشکن کردن باز بحران روی دوش کارگران و "سوسیالیستی" کردن هزینه زدیهای بورژوازی همواره مطلوب تلقی شده است.

### سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت است!

پانیک که دولتهای اروپائی در مقابل کرونا گرفتند نه از سر بی امکاناتی، نه بدلیل فقدان توان تکنولوژیک و اقتصادی، بلکه حاصل چند دهه تعرض بازار به حق بهداشت و سلامتی عمومی است. سیستم بازاری بهداشت و سلامت اصولاً برنامه ای برای دوره های بحران ندارد، مطلقاً به این وضعیت فکر نکرده و جز اولویتهای خود نمیداند. سرمایه داری، با درجات متفاوت، اما همه جا تناقض بنیادیش را با منفعت عمومی و اولویت های عمومی لخت و عور نشان میدهد. بعنوان کمونیست و کسانی که عمری برای آزادی و رهائی انسان امروز تلاش کرده ایم، از تکرار هزار باره این واقعیت خسته نمی شویم که سرمایه داری بعنوان یک نظام اقتصادی و اجتماعی با اولویت های بشر امروز در تناقض بنیادی قرار دارد. اینکه سوسیالیسم نظام برتر و چهارچوب سیاسی- اقتصادی ممکن و مطلوبی است. اینکه برخلاف سرمایه داری، سوسیالیسم با اولویت ها و منافع عمومی در تناقض نیست و نظام سوسیالیستی و کمونیستی میتواند آزادی و رهائی فردی و جمعی را تامین و تضمین کند. این حقیقت که برخلاف منطق و قانون حاکم بر عملکرد و حرکت سرمایه و نظام مبتنی بر تولید سود و انباشت سرمایه و تامین منافع فرد بورژوا، سوسیالیسم اولویت های عمومی، نیازهای همگانی، آزادی و رهائی اکثریت عظیمی که در سرمایه داری "هیچ" محسوب میشوند را تامین میکند. و دقیقاً به همین اعتبار و از آنجا که در سوسیالیسم برخورداری از رفاه و خوشبختی همگانی امری انسانی، قوانین و فلسفه قانون و مناسبات اجتماعی نه سود محور و سرمایه محور بلکه انسان محور است، لذا همگان بدون استثناً از حقوق فردی و اجتماعی برخوردار میشوند. سرمایه داری مدعی است که حقوق فرد را پاس میدارد. ادعای کاذب حقوق فردی را زمانی ایندولوژی لیبرالیسم و متفکرین سرمایه داری بازار آزاد بلوک غرب در مقابل سرمایه داری دولتی بلوک شرق که بر نوعی کلکتیویسم و یونیفرمیزه کردن متکی بود، جار میزد. بعد از سقوط بلوک شرق همین ادعای کاذب هم جانی همراه به ویرانه های بلوک شرق دفن شد.

آزادی فردی در نظام بورژوازی از آزادی فرد بورژوا و آزادی تجارت و آزادی استثمار فراتر نرفت. حقوق فردی عموماً تابعی از "عرضه" و "رقابت" در جنگل بازار است. لذا فرد در این نظام بسیار شبیه گلا دیاتورهای عهد عتیق در میدانهای نبرد آمفی تئاترهای رُم باستان است که اینبار باید در رینگ بازار خود را به سرمایه عرضه کند. فرد در نظام بورژوازی، اگر از آزادی فرد بورژوا در استثمار و تجارت فراتر برویم، در جامعه و در مقیاس جهانی، فرد کارگر انسانی ترسیده

و بیحقوق و امتیزه و ناتوان در مقابل هیولای مخلوق خویش یعنی قدرت سرمایه است. سوسیالیسم برخلاف بورژوازی از "فرد" و "آزادی فردی" لیبرالی سخن نمیگوید بلکه از آزادی انسان چه در ظرفیت جمعی و چه در ظرفیت فردی سخن میگوید. برای تئوری انقلابی مارکس و نظریه و انتقاد کمونیستی کارگری، آزادی قابل تقسیم نیست، بلکه یک تمامیت است و جامعیت دارد. فرد انسانی و اجتماع انسانی در حق و آزادی و اختیار بر مقدرات خویش دخیل و ذینفع است. تفاوت و اشتراک و تمایز و انطباق در تناقض بنیادی قرار ندارند. در عین حال که جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و کمونیسم کارگری امر آزادی و محقق کردن تنوعات بشر را دارد، همزمان این تنوعات را در متن اولویت های عمومی و منافع عمومی و اهداف اجتماعی سوسیالیستی تعریف میکند. در سوسیالیسم و کمونیسم فرد در تناقض با جمع نیست، منفعت و نیاز فردی در تناقض با منفعت و نیاز اجتماعی قرار ندارد، در سوسیالیسم فرد بعنوان انسان و شهروند آزاد و سهیم در سازمان تولید سوسیالیستی برای رفع و برآوردن نیازهای انسانی در ظرفیت فردی و جمعی میکوشد. این در گرو نفی مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم، در گرو برانداختن و امحای سرمایه داری بعنوان نظام برده داری نوین، منوط به الغای بردگی مزدی و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید نیازهای بشر، در گرو الغای مناسبات سودمحور و بورژوازی و قوانین مترتب بر آن، و ساختن اجتماعی است که در آن آزادی و شکوفائی فرد در گرو آزادی و شکوفائی همگان باشد. سوسیالیسم و کمونیسم کارگری نه آزادی فردی بورژوازی را تقدیس میکند و نه کلکتیویسم و یونیفرمیزه کرده سرمایه داری دولتی را. کمونیسم کارگری و انقلاب سوسیالیستی از یک رهائی همه جانبه در ظرفیت فردی و جمعی سخن میگوید. آزادی انسان بعنوان فرد انسانی بدون آزادی انسان بعنوان اجتماع انسانی ممکن نیست، جامعه انسانی نمیتواند آزاد باشد در شرایطی که فرد انسانی امکان بروز خلاقیتها و فردیت خود ویژه اش را نداشته باشد. یکی بدون دیگری ممکن نیست.

### علیه بورژوازی برخیزیم!

بورژوازی با آزادی تجارت و استثمار و غضب منافع و اموال عمومی، با تشدید شکافهای طبقاتی و تبدیل کره خاکی به مایملک چند ده نفر ابر بورژوا، با اسارت و انقیاد جمعی نفوس کره خاکی، "آزاد" شده است. اما این نوع آزادی وارونه در تاریخ مکتوب بشر همواره وجود داشته است. در کلیه نظامهای طبقاتی و مبتنی بر انقیاد و بهره کشی عده ای قلیل تحت عنوان طبقه حاکم از "آزادی" و امکانات اقتصادی وسیع برخوردار بوده اند. "آزادی" همواره مقوله ای تاریخی است و طبقات و جنبشهای مختلف و مکاتب فکری و سیاسی، تبیین خود را از آزادی بدست داده اند. اما این "آزادی" و جمال و جبروت که خود را در میزان ثروت و کاخها و فتوحات و کلیساها و امروز در زندگی های افسانه ای و مُدل "آمریکن دریم" معرفی میکند، نهایتاً چیزی جز دزدی آشکار و قانونی، بالا کشیدن حقوق و ثروت و نیازهای فوری دیگران، تصاحب ثروت و سرمایه اجتماعی که به آنها تعلق ندارد، تحت حمایت ارتش و دادگاه و پلیس و دستگاه مذهب و مثنی روشنفکر درباری و مجیزگوی طبقات حاکم نبوده است. ماهیت جوامع طبقاتی در طول تاریخ عوض نشدند، بلکه از شکلی به شکل دیگر تغییر یافتند. طبقات چه حاکم و چه محکوم تغییر کردند، شیوه تولید و رفع نیازهای بشر و به این اعتبار نظام اجتماعی و اقتصادی با کشفیات و انقلاب در تکنولوژی تولید و وسایل بارآوری کار متحول شدند اما مناسبات مبتنی بر بهره کشی فرد از فرد، تبعیض و استثمار جلوه های جدید و قلمروهای وسیعتری یافتند. بعبارت دیگر

## بحران کرونا و عملکرد سرمایه داری

### سوسیالیسم تنها پاسخ ممکن و عملی است ...

سنگرهای نبرد بازگردیم. وقت آنست پرچم سوسیالیسم مُبرم و مُمکن است را برافرازیم، اولویت اجتماعی و انسانی را برجسته کنیم و طبقه کارگر و میلیاردها انسان دربند را به مبارزه برای رهایی از بردگی مزدی و اسارت تاریخی - جهانی انسان امروز فراخوانیم. وقت آنست پرچمها را برافرازیم، قوانین بورژوائی را در ذهنیت و عمل خود ملغی اعلام کنیم، هر جا و به هر درجه که میتوانیم قدرتِ آلترناتیو خود را بمیدان بیاوریم و مستقر کنیم. وقت آنست بر امر تمام قدرت به شوراها و تمام اولویت علمی و فنی و اقتصادی در خدمت سلامت و آزادی فرد و جامعه را بر تارک میدانها و کاخهای قدرت بورژوازی حَک کنیم. وقت آنست برخیزیم، آزاد شویم، سنگرها را برپا کنیم، افقی نو برای ساختن جهانی نو درافکنیم و مانند همیشه تاریخ برای آزادی بجنگیم! وقت آنست که در وجود تک تک ما پادتن و آنتی بادی بورژوازی تولید شود، در مقابل ویروس تبلیغات کثیف و کشنده بورژوازی و تداوم وضع موجود مَصون شویم و بدون تردید و بدون تعلل از حقوق و نیازها و اهداف سوسیالیستی دفاع کنیم.

بشر امروز در پرتگاه توحش بورژوازی و منفعت سرمایه قرار دارد. با در مقیاس وسیع توسط بورژوازی بعنوان "بی مصرفها" بدور انداخته میشود و روی دوش زندگانمان سازمان استثمار و بازتولید نظم کهنه را حدادی میکند، و یا نمی پذیریم، برمیخیزیم، دست هم را میگیریم، بجای سقوط به پرتگاه و چاه ویل حرص و آز بورژوازی برای سود، خود بورژوازی و نظامش را همراه با قوانین و نهادهای توجیه گر مانند مذهب و ارگانهای مافوق مردم و آدمکش و نوکران دست به سینه اش را برای همیشه دفن میکنیم. ویروس کرونا و عملکرد سرمایه داری و اولویت سود و سرمایه بار دیگر به هر نابابوری نشان داد که بشریت امروز راهی بجز سوسیالیسم و کمونیسیم ندارد.

۱۲ مارس ۲۰۲۰

انسان امروز هنوز در عصر جاهلیت بسر میبرد. همراه با زمان و نیازهای آن جلو نیامده ایم. هنوز در اسارت داده‌ها و تبلیغاتی هستیم که از وضع موجود پاسداری میکنند، هنوز خود را لایق یک زندگی بهتر که اساسا خود خالق آنیم نمیدانیم، هنوز بردگی در مغز استخوان ما ریشه دارد و هنوز از انقلاب علیه وضع موجود، علیه کلیت آنچه که هست، میترسیم. بورژوازی قدرتت را تنها از توپ و تفنگ و وسائل تحمیق و انفراد و انزوای ما نمیگیرد؛ از این واقعیت هم میگیرد که علیرغم اینکه جهان را به لجن کشیده است، هنوز مدعیان قدرتمندی که بدون تردید پرچم نبرد بر علیه کلیت این نظام را برافراشته باشند نمی بیند. هنوز میتواند قربانی بگیرد. هنوز میتواند دنیا را صحنه جنگ گلابیاتورهای جدید، قدرتهای جدید صنعتی و اقتصادی برسر حوزه نفوذ و بازارهای کار و کالا کند. هنوز ما بسان دوران عتیق از وبا و طاعون و ویروس کرور کرو تلف میشویم و بورژوازی لطف کرده و صرفا شتاب تلف شدنمان را کُند میکند. هنوز براین باوریم که "اگر خودم را نجات دهم ممکن است آنور تونل نوری باشد و دوباره بتوانم برای ارباب کار کنم و زنده بمانم!" هنوز روح بردگی بر جسم و جان ما چیره است و هنوز زنجیرهایمان را نگسسته ایم و بدور نیانداخته ایم.

دیگر بس است! دیر هم شده است! وقت آنست که از سَرّ این قیود بردگی رها شویم تا بتوانیم اصولاً فراخوانی به رهایی بدهیم. وقت آنست تمام زباله‌های ایدئولوژیک و ضد کمونیسیتی بورژوازی را مانند ویروسهای کشنده ایزوله کنیم تا بتوانیم نفس بکشیم، تا بتوانیم جامعه را از "آی سی یو" بیرون بیاوریم، سلامت روانی مان را بازیابیم و به

## کار را متوقف می کنیم!

### آینده از آن ماست، دستجمعی خودکشی نمی کنیم!

کار را تعطیل کنیم. خانه بمانیم و سر کار نرویم. ما کارگران و کارکنان اسیر فقر و فلاکت ایم، اما دستجمعی خودکشی نمی کنیم. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. در اوضاع کنونی، سازمان کار جامعه باید حداقلی، اورژانسی و پاسخ به نیازهای ضروری باشد. ما کارگران مراکز تولیدی و کارکنان مراکز اداری و خدماتی، بدون تست مرتب و بدون برخورداری از نیازهای پزشکی حاضر نیستیم در محلهای کار حضور پیدا کنیم. دولت و کارفرمایان متعهد و موظف به تامین نیازهای ضروری، پرداخت حقوق ها، تامین سلامت و بهداشت محیطهای کار هستند. کار را متوقف می کنیم!

حزب کمونیسیت کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

## مرزها را به روی پناهجویان جنگ زده باز کنید!

کارتی علیه دول اروپایی و گروکشی از آنان و دریافت کمکهای کلان از این اتحادیه استفاده کرده است. اکنون نیز با این شرایط آب و هوایی سرد و سوزان و برخوردهای وحشیانه نیروهای مرزبان یونان و بلغارستان پناهجویان در شرایط مشقت باری بسر می برند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی برخورد فاشیستی دولت ترکیه و وجهالمعامله قرار دادن پناهجویان فراری از جنگ خانمانسوز سوریه و هزاران پناهجوی آفریقایی، ایرانی، افغانستانی و غیره را توسط این دولت قویا محکوم میکند. ما در عین حال مقاومت و برخورد نژادپرستانه دولتهای اروپایی بویژه دولتهای هم مرز با ترکیه مانند بلغارستان و یونان و ممانعت شان از عبور هزاران پناهجوی جان به لب رسیده از مرز این کشورها، محکوم میکنیم و از اتحادیه اروپا می خواهیم که بیش از این در مقابل پناهجویان جنگ زده مقاومت نکند و مرزها را به روی هزاران جنگ زده بی پناه باز کند و شرایط زندگی انسانی را برای کلیه فراریان جنگ زده مهیا کند. از دول اروپایی می خواهیم که به قوانین سختگیرانه پناهندگی حاکم بر اروپا و گسترش فضای نژادپرستانه در این قاره پایان داده و متعهد به اجرای کنوانسیون ژنو در خصوص پناهجویان جنگ زده، باشند.

### سخنی با اتحادیه‌های کارگری و احزاب چپ و بشریت آزادیخواه

جهان کنونی در نتیجه جنگ و بحرانهای پی در پی اقتصادی که نتیجه سود پرستی صاحبان سرمایه و دولتهایشان به مکانی ناامن و غیرقابل تحمل برای دهها و صدها میلیون انسان تبدیل شده است. هرازگاهی در گوشه‌ای از این کره خاکی انسانها در ابعاد میلیونی ناچار به ترک محل زندگی خود می شوند. بدون دخالت موثر و جدی شما، جهان به مراتب خش تر و غیر قابل تحمل تر خواهد شد. در غیاب دخالت موثر شما سرنوشت دهها هزار پناهجوی سوریایی محنت زده و فراری از جنگ نیابتی قدرتهای جهانی در مرزهای این کره خاکی که متعلق به کل بشریت می باشد بدون هیچ سرپناهی شب را به روز سپری میکنند و در بلاتکلیفی بسر می برند. آنان به دخالت موثر و قدرتمند ما نیاز دارند. دولتهای اروپایی را ناچار کنیم که مرزهایشان را به روی پناهجویان جنگ زده باز کنند و فرزندانشان را بیش از این از دنیای کودکی محروم نکنند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - بی مرز

۲۹ فوریه ۲۰۲۰

دولت ترکیه سرانجام بعد از چند سال باجگیری و تهدید اروپا به باز کردن مرزهایش به روی پناهجویان عمدتاً سوریایی را عملی کرد. چند روز گذشته دولت فاشیست ترکیه بعد از سالها باجگیری از اتحادیه اروپا و دریافت میلیاردها یورو به بهانه باز کردن اردوگاههای پناهندگی و رسیدگی به آنان و "ممانعت" از ورودشان به اروپا، با باز کردن مرزهایش دهها هزار پناهجو را روانه مرزهای اروپا نمود. دولت ترکیه در راستای مقاصد شوم خود پناهجویان مستقر در این کشور را تحریک نموده و بخشا به شیوه "سخت‌مندان" وسایل نقلیه مجانی را در اختیار آنان گذاشته و دهها هزار پناهجو را به مرزهای یونان و بلغارستان فرستاده است و بخشی از آنان را نیز در مرز آبی با یونان در انتظار قرار داده است و قصد دارند با قایق راهی جزایر یونان بشوند و ریسک را به جان بخرند.

رجب طیب اردوغان از عازم شدن ۱۸ هزار پناهجو در روز ۲۸ فوریه و احتمال ۲۵ تا ۳۰ هزار پناهجوی دیگر در روز ۲۹ فوریه به سمت مرزهای زمینی یونان و بلغارستان سخن گفته است. تعداد زیادی از این پناهجویان کودکان خردسال می باشند. صحنه‌های دلخراش برخورد وحشیانه پلیس یونان و بلغارستان به هزاران پناهجو در مرزهای تنیده شده با سیم خاردار و ممانعت از ورود آنان و پرتاب گاز اشک آور و صحنه‌های زد و خورد پلیس با پناهجویان و گسیل نیروهای مسلح بیشتر به مرزها نشان از عزم دولتهای اروپایی برای عدم تمکین به واکنش دولت ترکیه است. همزمان دولت بلغارستان از اتحادیه اروپا خواسته است تا چاره‌ای بیاندیشند و مجدداً به باجگیری دولت ترکیه گردن بگذارند.

تشدید بحران در استان ادلب به بروز یک فاجعه انسانی در این استان انجامیده و هیچکدام از دولتهای جنایتکار درگیر در این منطقه بحرانزده از روسیه و سوریه گرفته تا ترکیه و ناتو کوتاه نمی آیند و مقید جان صدها هزار انسان جنگ زده نیستند. تخمین زده شده که صدها هزار نفر دیگر در نتیجه جنگ کنونی در استان ادلب به ترکیه که خود بخش بزرگی از موجبات ناامنی در این منطقه است، پناه ببرند و دولت اردوغان نیز آنها را به اهرم فشار بر دولتهای اروپایی تبدیل کند. گسیل نیروی مسلح بیشتر به مرزها برای مقابله با این موج وسیع پناهجویان رانده شده از طرف دولت ترکیه در این فصل سرد و سوزان در بلاتکلیفی جدی و معلق شدن مابین دیوارهای بلند مرزی دول اروپایی و دولت ترکیه، جای نگرانی جدی است.

تقابل دولت ترکیه و دول اروپایی و اخاذی دولت ترکیه و سلب مسئولیت دولتهای مدعی پناهنده پذیری و امضا کننده کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو پناهجویان را در موقعیت سختی قرار داده است. از یکسو بیش از هفت سال جنگ نیابتی در سوریه و آوارگی چندین ساله در خاک خود و اکنون که جان سالم بدر برده‌اند در یک سناریوی ضد انسانی مابین دو سنگ آسیاب اروپا و ترکیه گیر کرده‌اند و دارند له می شوند و هر روز مرگ را تجربه می کنند. دولت ترکیه سالهاست پناهجویان را بعنوان

**مرزها را باز کنید، هیچکس غیر قانونی نیست!**

**این زمین به همه تعلق دارد!**

## درس امروز نجات جان است!

### دانشگاه ها و مراکز آموزشی تعطیل!

زیر بار دستورالعمل غیر مسئولانه دولت و وزارت آموزش و پرورش نمی رویم. کلیه دانشگاه ها را تا رفع خطر و حصول اطمینان کامل تعطیل کنیم. کلیه مدارس از ابتدائی تا دبیرستان تا فائق آمدن به خطر شیوع کرونا تعطیل! خانواده ها حاضر نیستند با جان فرزندان شان و از این طریق با جان بقیه بازی کنند. وزارت آموزش و پرورش موظف است در این اوضاع سیستم تدریس و آموزش آنلاین را جایگزین حضور دانشجو و دانش آموز در مراکز آموزشی کند. مهمترین درس امروز جامعه نجات جان است! اول سلامتی بعد آموزش! بدون سلامتی آموزش معنی ندارد!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
اسفند ۱۳۹۸

## تامین حق سلامتی و وظیفه دولت است!

بهداشت جسمی و روانی، طب رایگان و برخورداری از تست مرتب پزشکی یک امتیاز طبقات دارا نیست، جزو حقوق پایه شهروندان است. دسترسی به اطلاعات معتبر و علمی در باره سلامت حق شهروندان است. دادن اطلاعات مرتب به جامعه توسط کادر پزشکی یک تعهد شغلی و یک وظیفه انسانی و علمی است. هر نوع امنیتی کردن این مسئله توسط دولت یعنی ممانعت از حق دانستن و اطلاع از خطر جانی، یعنی ارتکاب عامدانه دولتی برای تهدید سلامت شهروندان. کور کردن ارائه اطلاعات علمی و مال اندوزی از طریق احتکار نیازهای اولیه بهداشتی مردم یک عمل جنایتکارانه است. دولت در قبال سلامت و بهداشت مردم مسئول است. وظیفه فوری دولت است که در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بیدرنگ هرگونه خدمات پزشکی و داروئی را تماماً رایگان کند. سلامت و جان مردم نباید تجاری شود، جان قابل معامله نیست!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
اسفند ۱۳۹۸

## فوراً و بدون تعلل زندانیان را آزاد کنید!

### علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر!

زندان های رژیم مملو از زندانی اند. زندانها یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین اماکن شیوع کرونا است. زندانیان فوراً و بدون تعلل باید آزاد شوند. کلیه زندانیان باید تست شوند و مراتب آن با شفافیت اعلام شود. هر نوع تعلل در این زمینه، اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
اسفند ۱۳۹۸



## علیه مذهب و خرافات!

قم این مرکز فساد، این تجارتخانه دین، این "دروازه بهشت"، مرکز انتشار ویروس و "جهنم" روی زمین شد. شیوع کرونا برای هزارمین بار نشان داد که خرافات مذهبی، امامان و بیوت دایناسورهای اسلامی، همه حجره‌های تجارت و تخدیر و جنایت هستند. آیت الله‌ها و آخوندها به بیمارستانهای مجلل و محیطهای خوش آب و هوا میروند اما مردم را به زیارت و خواندن دعا دعوت میکنند! ویروس کرونا در کنار وحشتی که آفرید در عین حال مذهب را در زمین خودش شکست داد. معلوم شد این همه بارگاه مذهبی و افسانه سرائی پیرامون آن پشیزی ارزش ندارد و فقط دستگاه شیادی و کلاهبرداری است. به مساجد، زیارتگاه‌ها و نماز جمعه نروید! به سخنان جنایتکاران صنعت دین وقعی نگذارید! علیه خرافات مذهبی و توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسانه بایستید! آخوندها و تجار دین را از محیط زندگی نان بیرون کنید! دستگاه دین و خرافات اسلامی بیشتر از کرونا برای سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان خطرناک است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

## موج ترقیخواهی و انساندوستی مردم، روزنه‌ای برای دیدن مناظر بزرگ!

در مقابل نمایش توحش فرهنگی اسلام و جمهوری اسلامی در قبال کرونا، مردم آزادیخواه ایران جلوه‌هایی از تمدن بالا و فرهنگ پیشرو را نشان دادند. جوانان آزادیخواه با روشهای ایمن به کمک سالخوردگان شتافتند. بسیاری مراسم عروسی و عزای عزیزانشان را لغو کردند. تعدادی در تقابل با کمبود وسائل بهداشتی با ابتکار دست به تهیه و توزیع ماسک مجانی زدند. کادر پزشکی و پرستاران تنها به فداکاری اکتفا نکردند بلکه با رقص و موزیک برای بردن امید به دنیای ناامیدی و دادن روحیه به بیماران سنگ تمام گذاشتند. بخشی از بوتیک‌ها و رستورانها برای تقابل با شیوع کرونا کارشان را تعطیل کردند. در سوشیال میدیا توصیه‌های بهداشتی، همدردی و همبستگی موج میزند. این ترقیخواهی و انساندوستی مردم آزادیخواه را باید ارج گذاشت. زنده و پرتوان باد نועدوستی و مسئولیت اجتماعی! از روزنه این تمدن بالای مردم میتوان به مناظر بزرگ و با شکوه آینده نگاه کرد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**

## در باره رابطه "اسلام راستین" و "اسلام پراتیک"

من این را درک میکنم که منافع عده‌ای چنین اقتضا میکند که تا حد امکان اسلام را از زیر تیغ خشم مردمی که قربانی یا شاهد جنایات غیر قابل توصیف اسلامیون‌اند، بدر ببرند. من این را درک میکنم که ابعاد این جنایات و این هالاکاست [halocaust] چنان است که حتی در میان صف اسلامیون هم کسانی پیدا میشوند که نمیخواهند مسئولیت این همه پلیدی و زشتی را بر عهده بگیرند و لاجرم به نظر من طبیعی است که در چنین اوضاعی بحث "اسلام راستین" و رابطه آن با "اسلام پراتیک" یک بار دیگر بالا بگیرد. اما از نظر من کمونیست، من آتئیست، از نظر ما شاهدان و قربانیان جنایات این اسلام، از نظر من و امثال من که در یک جدال سهمگین اجتماعی و سیاسی و فکری با این هیولا بسر میبریم، این اظهارات و توجیحات از فرط رندی، احمقانه جلوه میکند. مبانی عقیدتی اسلام، مبانی قرآنی اسلام، انکشاف تاریخ اسلام، هویت و تعلق سیاسی اسلام و اسلامیون در جدال آزادی و ارتجاع در عصر ما عیان‌تر و غیر قابل پوشاندن‌تر از آن است که اجازه بدهد بحث روایات مختلف اسلام و وجود و احتمال وجود روایت دیگری از اسلام، ولو در آینده و در گُرات دیگر، که در آن ابتدایی‌ترین حقوق و عواطف بشری لعن و لگدمال نشده باشد، جدی گرفته بشود. به نظر من، این نهایت بی‌حرمتی به علم و به شعور اجتماعی انسان زمان ماست، اگر هر توجیه و هر مهملی که اسلامیون در حال هزیمت به روی جامعه پرت میکنند را به عنوان مبحثی برای تجزیه و تحلیل و موشکافی علمی بپذیریم... فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی‌حقوق و بی‌حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغِ مذهب بر کپل مرتکبش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است. راستش همه ادیان همین‌اند، اما بیشتر ادیان را بشریت آزاداندیش و آزادیخواه در طول صدها سال در قفس کرده است. این یکی را هرگز نگرفتند و مهار نکردند. چرخ میزند و نکبت می‌آورد.

دفاع از موجودیت اسلام تحت لوای بحث احترام به باورهای مردم، به نظر من بی‌اعتبار و ریاکارانه است. در میان مردم، باورهای مختلفی هست. بنابراین بحث نه بر سر احترام به باورهای مردم، بلکه بر سر انتخاب باورهای قابل احترام مردم است. هر کس هر چه بگوید، به هر حال همه دارند باورهای باب میل خودشان را انتخاب میکنند. و لاجرم آنها که تحت لوای حرمت باورهای مردم، نقد به اسلام را پس میزنند، دارند فقط انتخاب معنوی و سیاسی خود را بیان میکنند و بس. اسلام را به عنوان یک عقیده قابل احترام برمیگزینند و فقط برای مشروعیت "خلقی" دادن به انتخابشان، عقاید خود را در بسته‌بندی "اعتقادات مردم" عرضه میکنند. من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت‌کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی - جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم.

منصور حکمت

**نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!**

## متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

### تنها تشکل واقعی کارگری، مرجع تعیین دستمزد شایسته زندگی است!

جامعه ابعاد وسیع و متنوع مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری و شرایط سخت معیشتی و حاکمیت جمهوری اسلامی به میدان آمده است، برای این اساس طبقه کارگر و پیشروان آگاه آن، مبارزات گسترده تر و سد محکمتری در مقابل تعرضات معیشتی و سیاسی جمهوری اسلامی و تصمیمات و ترفندهای شورابعالی کار را در دستور کار قرار میدهند. مبارزه برای افزایش دستمزد همواره بخش مهمی از مبارزه کارگر برای بهبود شرایط زندگی بوده و هست. همواره برای تحمیل دستمزد مناسبتر به سرمایه داران باید قاطعانه و سازمانیافته عمل کرد. اکنون مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای گرفتن دستمزدهای معوقه و افزایش دستمزد نه تنها به هم گره خورده، بلکه خود بخش لاینفک مبارزه وسیعتر علیه فقر و گرانی و وضع موجود است. این عرصه های مبارزاتی عملاً بخشی از نبرد و مبارزه همه جانبه ای هستند که از دی ماه ۹۶ با شعارهای کوبنده علیه تبعیض و فقر و از آبانماه ۹۸ با نبردهای تعرضی علیه "گرانی" ابعاد بسیار وسیع اجتماعی به خود گرفته است. در شرایط حساس و تناسب قوای مساعدتر امسال، جنبش کارگری و رهبران رادیکال و آگاه آن، مقابله با دستمزد زیر خط فقر را به مثابه بخشی از مبارزه وسیعتر و موثرتر علیه فقر و گرانی و بیکاری، میخوانند و لازمست به پیش ببرند. برای تامین دستمزد شایسته زندگی انسانی و جوابگوی نیازهای رفاهی خانواده های کارگری و کلیه شهروندان کارکن و مزدبگیر، بازنشستگان، بیکاران، آسیب دیدگان و کلیه شهروندان آماده بکار تلاش جدی در دستور کار بگذارند. برای تحقق چنین پلاتفرمی، ابزار موثر آن یعنی تشکل توده ای کارگری و اتحاد موثر کارگری را سازمان دهند. بدون اتکا به تشکل توده ای و به ویژه مجامع عمومی و شوراها در مراکز و رشته های کارگری، در میان کارگران شاغل و بیکار پیشروی جدی در مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و علیه دستمزد زیر خط فقر به سختی و به کندی ممکن است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، کارگران را به اعتراض گسترده و سراسری و متحدانه علیه زندگی و دستمزد زیر خط فقر، علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری، فرامیخواند. تردیدی نیست جنبش علیه فقر و فلاکت اقتصادی بسرعت مجدداً قد علم میکند و طبقه کارگر در راس و پیشاپیش این جنبش پرچم نفی حاکمیت استبداد و استثمار و تامین آزادی و برابری و رفاه همگانی را در دست دارد. اعتراض و مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای افزایش دستمزدها بخش تفکیک ناپذیر چنین مبارزه ای است. برای تامین پیشروی و پیروزی این جنبش، تشکل توده ای مبارزه مان را بنیاد نهیم. مجامع عمومی و شوراها کارگری را در مراکز و رشته های کارگری بسازیم. رابطه متحدانه و همگامی موثر رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف جنبش کارگری را تامین کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۹ - فوریه ۲۰۲۰

آنچه هر ساله نهاد عمیقاً ضد کارگری "شورابعالی کار" سرمایه داران و جمهوری اسلامی به نام پروسه "تعیین و افزایش دستمزد" برگزار میکند، نه پروسه ای برای افزایش دستمزد، بلکه خیمه شب بازی سبانه برای رسمیت دادن به کاهش واقعی دستمزد و کاهش قدرت خرید کارگران است. هر سال نسبت به سال قبلتر چندرغاز مقرری ناچیز تعیین شده تحت نام گمراه کننده "دستمزد" بیشتر و بیشتر چند بار زیر خط فقر اعلام میشود. در واقع این "افزایش دستمزد" نیست، شعبده بازی "کاهش واقعی دستمزد" است. هر ساله و امسال قاطعتر از هر دوره ای کل این بساط نفرت انگیز از جانب جنبش کارگری و رهبران آگاه آن، لازمست مردود و طرد و رسوا شود. واضح است سرمایه داران و دولتهایشان سطح دستمزد را نه براساس نیازهای یک زندگی انسانی و مرفه برای طبقه ما بلکه بر مبنای سطح معیشتی تعیین خواهند کرد که آنقدر بخوریم که نمیریم، نسل مان منقرض نشود تا بتوانیم باز کار کنیم و کارمان برای سرمایه سود بیافریند و سرمایه بتواند انباشت کند. این قانون تعیین حداقل دستمزد در نظام استثمارگر و ضدکارگری سرمایه داری در سراسر جهان است. اما در نظامهای سرمایه داری استبدادی متکی به کار ارزان، و به ویژه در حاکمیت اسلامی سرمایه اوضاع به مراتب بدتر و شبیه تر به دوران اولیه بردگی انسان کارکن است. جمهوری اسلامی در ۴۱ سال عمر ننگینش، همواره ابتدایی ترین حقوق کارگران را پایمال کرده، از جمله حق تشکل و اعتصاب، ابزارهای مهم مبارزه کارگران برای بیرون کشیدن حقوقشان از حلقوم سرمایه داران را ممنوع کرده، با ترفند ضد انسانی دستمزدهای معوقه تا مرز ۲۴ ماه طبقه کارگر را زیر شدیدترین فشار قرار داده، اهرم لشکر بیکاری میلیونی فاقد بیمه بیکاری را بالای سر کارگر شاغل نگه داشته، با میلیونها کارگر قرارداد موقت و فصلی و سفید امضای بی تامین رها شده روبرو هستیم که حتی تحت پوشش همین نرخ "مقرری" تعیین شده قلابی هم نیستند. معلومست در چنین شرایط و تناسب قوایی آنچه از آستین "شورابعالی کار" هر سال و امسال هم بیرون میزند، حاصلی جز تقلا عمیقاً ضد انسانی برای تحمیل تباهی بیشتر به زندگی خانواده کارگری، با عنوان پرطمطراق "افزایش دستمزد" نیست. هیچگاه نماینده کارگران و تشکلهای کارگری در پروسه جاری به اصطلاح "تعیین دستمزد" نقشی نداشته و همواره علیه تصمیم نفرت انگیز نهاد دولتی، کارفرمایی شورابعالی کار جمهوری اسلامی بوده و در شرایط مساعدتر مبارزاتی امسال تصمیم ضد کارگريشان لازمست برسرشان کوبیده شود. به علاوه نمایندگان دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان در شورابعالی کار، و کسانی که به نام "نماینده کارگر" عمدتاً از جانب خانه کارگر و شوراها اسلامی در این بساط شرکت دارند، همگی جنایتکارانی هستند که روز روشن و بعد از دهها به اصطلاح جلسه، بالا و پایین کردن آمارهای جعلی و قلابی "تورم و سبب معیشت" خم به ابرو نیاورده و قیحانه و در کمال خونسردی بر روی زندگی و معیشت طبقه کارگر تیغ میکشند. اینها جانیانی هستند که در فردای پیروزی کارگران و مردم باید تاوان اقدامات جنایتکارانه و ضد کارگريشان را پس بدهند.

مبارزه متحدانه علیه فقر و دستمزدهای برده وار به هم گره خورده است!

امسال و به دنبال تجربه اعتصابات و اعتراضات کارگری وسیع، به دنبال نبردهای درخشان توده ای آبانماه و ۱۶ آذر و دی ماه ۹۸، در شرایطی که

**آزادی، برابری، رفاه!**

## امروز یک همبستگی انسانی قدرتمند حیاتی است!

### من، تو، ما مسئولیم!

کرونا تأثیرات چند جانبه داشته است. نگرانی و خشم تا استیصال و پانیک. مسئولیت اجتماعی و عبور دادن جامعه از بحران کنونی، حرف اول و آخر هر جنبش آزادیخواهانه در این شرایط است. مسئولیت امروز همه ما ایجاد یک همبستگی قدرتمند انسانی، گرفتن دست همدیگر، درک درد مشترک، اعمال فشار به دولت برای انجام اقدامات فوری و ضروری، گم نکردن قطب‌نمای حرکت و شناخت دشمن واقعی است. حمله به بیمار و قربانی ویروس، حمله به درمانگاه و بیمارستان اگرچه نشان استیصال است اما ارتجاعی و ضد انسانی است. مانند احتکار وسائل بهداشتی و سکوت دولت در ارائه اطلاعات کثیف و جنایتکارانه است. اقداماتی از این دست تنها به تخریب تمایلات انسانی، به تقویت محلی‌گری و ناسیونالیسم و فاشیسم، به نیروهای فوق ارتجاعی میدان میدهد. حمله به بیمار و بیمارستان و کادر پزشکی و اشاعه محلی‌گری، فقط به جمهوری اسلامی و بانیان این وضعیت خدمت میکند، به ارتجاع و فاشیسم نیرو میدهد و تا قتل عامهای دستجمعی یکقدم فاصله دارد. هوشیار باشیم، امروز جامعه در این شرایط ویژه، نیازمند یک همبستگی انسانی قدرتمند است. من، تو، ما مسئولیم!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار ورد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیست

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!